

گزارش تحلیل سیاست‌گذاری عمومی در جهان



زیر نظر جناب آقای دکتر کیومرث اشتریان
دانشیار سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران
مجموعه: زینب رفعتی آلاشتی

آذر ۱۳۹۶

فهرست مطالب

۱.....	سیاست علم، نوآوری و تکنولوژی
۲.....	برنامه‌ی اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی برای علم، فناوری و نوآوری ۲۰۱۶-۲۰۲۵
۱۲.....	تی لولز و بهبود آموزش فنی و حرفه‌ای و بهره‌وری در انگلستان
۱۵.....	سیاست محیط زیست
۱۶.....	سیاست‌های انرژی کشور پرتغال
۲۸.....	سیاست‌های اقلیمی دولت چین؛ همکاری آلمان و چین در حوزه اقلیم و حفاظت از محیط‌زیست
۳۹.....	توافق سازمان جهانی حیات وحش، بوتان بر سر تامین دائم امنیت شبکه گسترده مناطق حفاظت شده
۴۱.....	سیاست اجتماعی و فرهنگی
۴۲.....	تاثیر سیاست‌های خانواده بر فرصت‌های زنان در کشورهای غربی
۴۸.....	شاخص‌های اندازه‌گیری امنیت زنان
۵۰.....	سیاست بهداشت و سلامت
۵۱.....	سیاست‌های ملی سلامت روانی در هندوستان - مسیرهای جدید، امیدهای جدید
۶۰.....	کلان داده و تجزیه و تحلیل در خدمات درمانی
۶۳.....	طرح دولت انگلستان در کاهش نرخ مصرف سیگار تا ۱۲ درصد



سیاست علم، نوآوری و تکنولوژی



برنامه‌ی اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی برای علم، فناوری و نوآوری ۲۰۱۶-۲۰۲۵

بیانیه‌ی بانکوک که اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی (آسه آن)^۱ را در سال ۱۹۶۷ بنیان نهاده است، کشورهای عضو آن یعنی سنگاپور، مالزی، فیلیپین و تایلند بر ضرورت سرعت بخشیدن به توسعه‌ی اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و فرهنگی در منطقه تاکید کرده‌اند. همچنین بحث علم و فناوری نیز به عنوان ابزاری حیاتی و لاینفک برای رسیدن به این هدف شناخته و به همین جهت کمیته‌ی اضطراری علم و فناوری تاسیس شد. اولین جلسه‌ی این کمیته در جاکارتا پایتخت اندونزی در سال ۱۹۷۰ برگزار شد تا در آن به روش‌های ترویج و گسترش همکاری‌ها در زمینه‌ی علم و فناوری پرداخته شود. به خصوص در این جلسه توافق شد که اهداف زیر همکاری کشورهای عضو در مورد علم و فناوری را هدایت کند:

الف) آغاز و توسعه‌ی همکاری‌های منطقه‌ای در فعالیت‌های علم و فناوری

ب) ایجاد و ترویج متخصصان و نیروی انسانی در علم و فناوری در منطقه‌ی اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی

ج) تسهیل و تسریع انتقال توسعه‌های علمی و فناوری در میان کشورهای عضو اتحادیه، از کشورهای صنعتی به منطقه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی.

د) فراهم کردن حمایت و همکاری در زمینه‌ی کاربرد نتایج تحقیق و توسعه و استفاده‌ی موثرتر از منابع طبیعی در منطقه‌ی اتحادیه‌ی کشورهای جنوب شرقی.

در سال ۱۹۷۱ کمیته‌ی اضطراری علم و فناوری تبدیل به کمیته‌ی دائم علم و فناوری شد تا بتواند ترویج و افزایش همکاری در علم و فناوری را تداوم دهد و در زمینه‌ی حل مشکلات مشترک در منطقه‌ی آسیای جنوب شرقی و همچنین افزایش پیشرفت در علم و فناوری در کشورهای عضو نقش ایفا کند. از اولین اقدامات انجام

^۱ ASEAN

شده توسط کمیته‌ی دائم علم و فناوری (که زین پس بدان کمیته‌ی علم و فناوری گفته می‌شود) توسعه‌ی مواد مغذی غنی شده و ارزان برای نوزادان و مادران شیرده، تکمیل اطلس آب و هوایی و تدوین آمارهای آب و هوایی در کشورهای عضو اتحادیه، مدیریت محیط زیست و مدیریت و استفاده از پسماند مواد غذایی بوده است. ایده‌ی تدوین برنامه‌ای که بتواند چارچوبی راهبردی برای همکاری‌ها در علم و فناوری باشد در سال ۱۹۷۷ شکل گرفت و یکی از اولین اقدامات کمیته‌ی علم و فناوری اتحادیه تدوین اولین برنامه‌ی علم و فناوری بود که توسط گروهی از متخصصان و با همکاری دبیر کل اتحادیه‌ی جنوب شرقی نوشته شد. با به عضویت در آمدن کشور بروئی به عنوان عضو جدید، و بعد از جلسه‌ی چهارم سران کشورهای اتحادیه‌ی آسیای جنوب شرقی، اولین برنامه‌ی عملیاتی علم و فناوری به روز رسانی شد و همچنین اولین صندوق اعتماد علم و فناوری کشورهای اتحادیه‌ی آسیای جنوب شرقی تشکیل شد. دومین برنامه‌ی علم و فناوری کشورهای اتحادیه در سال ۱۹۹۴ در مانیلا پایتخت فیلیپین تدوین شد. در سال ۱۹۹۷ در دومین جلسه‌ی غیررسمی سران در کوآلامپور، اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی سند چشم‌انداز ۲۰۲۰ را تدوین کردند. در این برنامه ضمن تاکید بر ترویج صلح و ثبات در منطقه‌ی جنوب شرقی آسیا، به همکاری‌های علم و فناوری نیز اشاره شده است. با افزایش تعداد کشورهای عضو اتحادیه به ده کشور، بحث علم و فناوری در اتحادیه شکل دیگری به خود گرفت. با اشراف به اینکه هر کشور سطح متفاوتی از پیشرفت علم و فناوری را داشت، کمیته‌ی علم و فناوری اتحادیه ملزم شد تا مکانیسم‌ها و ساز و کارهایی را در نظر بگیرد که باعث شود اعضای جدیدتر نیز ظرفیت‌های توسعه‌ای و منابع انسانی خود و همچنین سیاست‌های زیرساختی علم و فناوری را سرعت ببخشند.

در سال ۲۰۰۰، وزرای علم و فناوری کشورهای عضو اتحادیه طی جلسه‌ای در کشور مالزی توافق کردند تا میزان بودجه‌ی علم و فناوری را افزایش دهند. این توافق بیان می‌کند که کشورهای عضو باید بودجه‌ی علم و فناوری اتحادیه را افزایش دهند و سهم هر کشور یک میلیون دلار آمریکا در نظر گرفته شد. کشورهای عضو باید سهم خود را به شکل پرداخت‌های سالیانه در طی مدت ده سال به اتحادیه بپردازند. در چشم‌انداز ۲۰۲۰ اتحادیه‌ی آسیای جنوب شرقی، تصریح شده است که برنامه‌ی هزاره‌ی جدید درباره‌ی اقدام در زمینه‌ی علم و فناوری برای سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰ در نظر گرفته شده است. در حالی که برنامه‌های علم و فناوری پیشین بازه‌های زمانی کوتاه‌تری (۲۰۰۴-۲۰۰۱) را در برمی‌گرفت. این برنامه البته با اندکی تغییر و اصلاح در زمینه‌ی

اهداف و راهبردها تا سال ۲۰۰۶ تمدید شد. برنامه‌ی علم و فناوری اتحادیه آسیای جنوب شرقی ۲۰۰۱-۲۰۲۰ به دنبال تعالی اهداف برنامه‌های پیشین بوده است که باعث پیشرفت درسیستم نوآوری می‌شود و می‌تواند انتقال دانش و تجاری‌سازی، درآمدزایی و کارآفرینی را در کشورهای عضو تسهیل کند و همچنین به تاسیس شرکت‌های مادر در تولید محصول جدید کمک کند که در آینده این شرکت‌ها تبدیل به صنایع کامل و بالغی شوند. اهداف برنامه‌ی علم و فناوری ۲۰۰۱-۲۰۲۰ عبارتند از:

۱. افزایش همکاری‌ها در توسعه‌ی علم و فناوری و تحقیق و توسعه میان بخش خصوصی و عمومی که دارای تمرکز موضوعی بوده و میان رشته‌ای و میان بخشی است.
۲. گسترش طیف برنامه‌های منطقه‌ای و افزایش تجربیات ملی و منابع به همراه برنامه‌هایی که به اتحادیه کمک می‌کند تا کشورهای عضو بتوانند منحنی یادگیری را افزایش دهند و به لحاظ اقتصادی رقابت‌پذیرتر گردند.
۳. ایجاد جامعه‌ی پویا و هوشمند در علم و فناوری که به دنبال خلق دانش و کاربرد آن است.
۴. سیستم تشویق و اعطای جایزه برای تشویق نوآوری و تجاری‌سازی فناوری و جذب استعدادها برای داشتن مشاغل مادام‌العمر در علم و فناوری.
۵. ابزاری برای پرورش و ایجاد برنامه‌های علم و فناوری پایدار از طریق روش‌های نوآورانه در سرمایه‌گذاری در تلاش‌های علم و فناوری و درآمدزایی
۶. سیستم مدیریت پیشرفته برای مشاغل آتی در علم و فناوری که نوآورانه و کارآفرین هستند.

این برنامه و مجموعه‌ی برنامه‌های دیگر در زمینه‌ی علم و فناوری در کشورهای اتحادیه‌ی آسیای جنوب شرقی برای رسیدن به اهداف مشترک شکل گرفته است و به دنبال شدت بخشیدن به همکاری‌های کلیدی افراد مسئول و ذی نفع با نهادها برای ظرفیت‌سازی، تحقیق و توسعه، انتشار فناوری و تجاری‌سازی، تقویت زیرساخت‌های علم و فناوری، تاسیس سیستم حمایتی و حکمرانی است و همچنین به دنبال افزایش سودهای چشمگیری است

که می‌تواند با استفاده و توسعه‌ی محصولات و خدمات علم و فناوری به دست آید و در عین حال به دنبال تقویت همکاری‌ها در بخش خصوصی است.

اجرای برنامه‌ی اجرایی علم و فناوری ۲۰۰۷-۲۰۱۱ با تکمیل ۱۲۹ پروژه و انجام فعالیت‌های مختلف در ۲۶ پروژه در مراحل مختلف اجرا شده است. چین، هندوستان، ژاپن و کره‌ی جنوبی به حمایت و مشارکت در کمیته‌ی عمل و فناوری اتحادیه و نهادهای زیر مجموعه‌ی آن برای اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های علم و فناوری ادامه دادند. میزان تامین مالی در اتحادیه و شرکای آن در حمایت از پروژه‌ها در حدود ۱۲ میلیون دلار بوده است و کشور ژاپن حامی اصلی و پشتیبان مالی این برنامه‌ها است. اما اطلاعات دقیقی در مورد چگونگی و میزان بودجه‌ی صرف شده توسط دولت‌های عضو در دست نیست. از میان فعالیت‌ها و اقدامات مهم به دست آمده از سال ۲۰۰۷ تاکنون اقدامات زیر از مثال‌های موفق پروژه‌های علم و فناوری اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی است.

۱. **پروژه‌ی کرابی (Krabi Initiative (KI):** این پروژه در ششمین نشست وزرای اتحادیه در سال ۲۰۱۰ در کرابی تایلند تنظیم شد. این پروژه به دنبال ارائه‌ی دستورالعمل و راهکارهایی با موضوع علم، فناوری و نوآوری برای کشورهای عضو به شکل رقابتی و پایدار بوده است و اقدام عملیاتی کرابی چارچوبی را تعریف کرده است که چگونه کشورهای عضو باید برای آینده‌ی علم، فناوری و نوآوری از سال ۲۰۱۵ به بعد آماده شوند. در راستای تنظیم این اقدام، کمیته‌ی علم و فناوری اتحادیه پذیرفته است که انقلاب در فناوری را در برنامه‌ی عملیاتی کرابی گنجانده شود. همچنین کمیته‌ی علم و فناوری سعی کرده است تا کلیه شهروندان در کشورهای عضو اتحادیه از این اقدامات و نوآوری‌ها بهره‌مند شوند.

۲. **بررسی و ارزیابی وضعیت علم و فناوری کشورهای عضو اتحادیه‌ی آسیای جنوب شرقی:** هدف از این ارزیابی، بررسی ظرفیت‌های علم و فناوری (به لحاظ نیروی انسانی و زیرساختی) در دولت‌های عضو اتحادیه و شناسایی توانمندی‌های فناوری ممکن در هر کشور است و همچنین به دنبال توسعه‌ی مجموعه‌ای از راهبردها در مورد این موضوع است که چگونه فراهم ساختن هم افزایی در علم و فناوری بر توان و سرعت توسعه‌ی فناوری کشورهای عضو موثر است، و در عین حال این راهبردها تعیین می‌کند که چگونه توسعه‌ی هماهنگ در

زمینه‌ی علم و فناوری در کشورهای عضو دست می‌آید به طریقی که مکمل یکدیگر باشند. این بررسی و ارزیابی نگرش و چشم‌اندازی را از سطوح مختلفی از توسعه‌ی علم و فناوری در تمامی کشورهای عضو اتحادیه بر اساس شاخصه‌های بین‌المللی پذیرفته شده ارائه می‌کند این شاخص‌ها عبارتند از منابع انسانی سهم در تحقیق و توسعه، تامین مالی بودجه در تحقیق و توسعه، سیاست‌های علم و فناوری، توسعه‌ی استراتژی‌ها و راهبردهای و زیرساخت‌های علم و فناوری

۳. اقدام کشورهای اتحادیه‌ی آسیای جنوب شرقی با مرکزیت سه کشور برای افراد با استعداد در علم: این اقدام به سردمداری کره‌ی جنوبی آغاز شده است و هدف آن فراهم کردن فرصتی برای افراد جوان و با استعداد در کشورهای اتحادیه اعم از ژاپن، چین، و کره‌ی جنوبی است که در مشاغل علم و فناوری دارای استعداد هستند و تبدیل به نوآوران و افراد موثر در توسعه‌ی آتی پایدار در کشورهای خود خواهند شد. در همین راستا کارگاه‌های آموزشی تربیت معلمان و دانش‌آموزان، جلسات مشاوره‌ای با حمایت کره‌ی جنوبی و ... انجام می‌شود. رویدادهای مختلفی بر مبنای تامین بودجه‌ی مشترک و بیشتر با کمک کره‌ی جنوبی انجام می‌شود.

۴. کنفرانس غذایی اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی: این رویداد یکی از پروژه‌های اصلی کمیته‌ی علم و فناوری اتحادیه است که به واسطه‌ی آن دانشمندان، متخصصان فناوری، محققان، صاحبان صنایع، کارآفرینان و سیاست‌گذاران و سازمان‌های دولتی و غیردولتی را در رابطه با صنعت غذا گرد هم جمع می‌کند تا بتوانند دانش علمیشان را از طریق به اشتراک‌گذاری یافته‌های جدید، همکاری استراتژیک برای توسعه‌ی بیشتر صنایع غذایی را افزایش دهد و در نهایت منجر به رشد اقتصادی کشورهای عضو شود. این کنفرانس بستری را برای ارائه‌ی پیشرفت‌های جدید در علم و فناوری غذا و تاثیر آن بر امنیت غذایی محیط زیست، سلامت و تغذیه و همچنین افزایش هماهنگی در استانداردها و قوانین غذایی را ایجاد می‌کند.

۵. هفته‌ی علم و فناوری اتحادیه‌ی آسیای جنوب شرقی: هفته‌ی علم و فناوری برای کشورهای عضو توسط کمیته‌ی علم و فناوری اتحادیه برگزار می‌شود. این رویداد به صورت گردشی در یکی از کشورهای عضو برگزار می‌شود. هدف از برگزاری رویداد هفته‌ی علم و فناوری، ترویج و افزایش آگاهی نسبت به پیشرفت‌های علم و فناوری در کشورهای عضو اتحادیه است. این رویداد همچنین به عنوان انجمنی برای دانشمندان،

متخصصان فناوری، محققان و مقامات رسمی و بخش خصوصی است تا ضمن تعامل با یکدیگر، شبکه‌ی ارتباطی میان آن‌ها تقویت یابد و در عین حال همکاری‌ها را در علم، فناوری و نوآوری افزایش دهد.

چالش‌ها:

بر اساس ارزیابی کلی دبیرکل اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی در زمینه‌ی پروژه‌های انجام شده توسط کمیته‌های زیر مجموعه‌ی کمیته‌ی علم و فناوری از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۸، مشاهدات کلی دبیر کل نشان می‌دهد که کلیه‌ی پروژه‌های انجام شده بیشتر در زمینه‌ی فعالیت‌های ظرفیت سازی، هدایت کارگاه‌های آموزشی و برگزاری کنفرانس بوده است. کمیته‌های زیر مجموعه کمیته‌ی علم و فناوری با چالش‌هایی در زمینه‌ی سهم ساختن شرکا در انجام فعالیت‌های مشترک در تحقیق و توسعه مواجه بوده‌اند. همچنین کمیته‌های زیر مجموعه برای انجام فعالیت‌های خود به طور کلی به بودجه‌ی خارجی وابسته بوده‌اند و این تامین مالی خارجی در طی زمان اولویت بندی خود را به سمت حوزه‌هایی به غیر تحقیق و توسعه معطوف کرده است. برخی دیگر از این مصائب و چالش‌ها عبارتند از:

- برخی از کشورهای عضو در زمینه‌ی اعطای تسهیلات به تحقیق و توسعه، آموزش دانش‌آموزان یا تخصیص بودجه‌ی ملی که بتوانند به طور کامل در فعالیت‌های تحقیق و توسعه شرکت کنند دچار محدودیت هستند.
- برگزاری رویدادهای عمومی سازی علم و فناوری در سطح منطقه‌ای باعث تحمیل هزینه‌های میزبانی فراوان این رویدادها بوده است.
- کیفیت پروژه‌های پیشنهادی توسط کمیته‌های زیر مجموعه نیازمند جذب سرمایه‌گذار و حامی مالی بوده است.
- کمیته‌های زیر مجموعه به دنبال توسعه و اجرای یکباره‌ی پروژه به جای برنامه‌هایی هستند که بهتر برنامه‌ریزی و طراحی شده‌اند.
- اعضای کمیته‌های زیرمجموعه در حوزه‌های تخصصی خاص دارای تخصص هستند اما در زمینه‌ی برنامه‌ریزی راهبردی، پیش‌بینی فناوری، طراحی برنامه یا پروژه و توسعه‌ی آن، نظارت و ارزیابی دچار کمبود مهارت و ابزار هستند.

نکات کلیدی و چارچوب مفهومی برای توسعه‌ی برنامه‌ی عملیاتی علم، فناوری و نوآوری کشورهای اتحادیه‌ی آسیای شرقی ۲۰۱۶-۲۰۲۵:

توسعه و اجرای برنامه‌ی عملیاتی پیشین علم و فناوری توسط رهبران اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی بر مبنای همکاری و بر اساس سند چشم‌انداز ۲۰۲۰ و مجموعه‌ای از برنامه‌های عملیاتی و اعلامیه‌های مختلف راهنمایی و هدایت شده است تا بتواند اهداف و مقاصد تعیین شده را محقق و شرایط تاسیس جامعه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی را فراهم کند.

استفاده‌ی کمیته‌ی علم و فناوری از تجربیات پیشین تعیین کننده‌ی این است که برنامه‌های آتی چگونه توسعه یابند. همچنین در تصمیم‌گیری در ششمین جلسه‌ی غیر رسمی وزرا در مورد علم و فناوری، برنامه‌ی عملیاتی کرابی که با موضوع علم و فناوری برای رقابت پایدار و کشورهای عضو طراحی شده است و چارچوبی را در مورد اینکه چگونه کشورها برای سال ۲۰۱۵ و بعد از آن در علم، فناوری و نوآوری آماده شوند، ارائه می‌کند. هشت موضوع کلیدی در این اقدام عبارتند از:

۱) ایجاد نوآوری در اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی برای بازارهای جهانی:

استفاده از علم و فناوری برای ایجاد نوآوری در اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی که می‌تواند برای کشورهای عضو و بازارهای جهانی سودمند باشد. به صورت محلی، کشورهای جنوب شرقی دارای ظرفیت‌های بومی در تولید کالاها و خدمات هستند که می‌تواند برای عامه‌ی مردم مفید باشد و باعث افزایش کیفیت زندگی شهروندان به شکل مناسب و با استفاده فناوری‌های نوظهور باشد. همچنین، استفاده از منابع محلی در دسترس و نوآوری می‌تواند به بازارهای محلی تسری یابد و در رقابت‌پذیری کشورهای اتحادیه نقش داشته باشد.

۲) اقتصاد دیجیتال، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی جدید:

انقلاب در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی راهی برای ایجاد جامعه‌ی دانش بنیان و آگاه است. در این زمینه، کشورهای عضو اتحادیه در عصر دیجیتال، باید مطمئن شوند که دسترسی و مقرون به صرفه بودن این

فناوری‌های ارتباطی و کاربرد موثر آنها تامین شود؛ این فناوری‌ها عبارتند از شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات موبایلی، مدیریت فجایع، بهبود خدمات درمانی و برابری جنسیت.

۳) فناوری سبز:

به تدریج تغییرات آب و هوایی در سطح جهان تاثیر خود را نشان می‌دهد. در پاسخ به افزایش تقاضا در محصولات صنعتی باید سازگار با محیط زیست باشد و علم، فناوری و نوآوری با کاهش انتشار کربن و تولید انرژی پاک‌تر، می‌تواند نقش مهمی را در ارتقا صنعت ایفا کند. علم، فناوری و نوآوری به منظور تطبیق فناوری‌ها با تغییرات آب و هوایی نقش مهمی دارد و امری ضروری در توسعه پایدار کشورهای اتحادیه آسیای جنوب شرقی است.

۴) امنیت غذایی:

علم، فناوری و نوآوری نقش مهمی را تضمین امنیت غذایی برای کشورهای عضو اتحادیه آسیای جنوب شرقی با بیش از ۶۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد. امنیت غذایی شامل مواردی چون بهبود تولید و بهره‌وری، مکانیزه کردن مزارع، وضع استانداردهای مناسب برای امنیت غذا و فراهم ساختن دسترسی به شرایط تغذیه‌ای مناسب تا فناوری‌های زیستی مدرن که تامین کننده امنیت غذا و انرژی است، می‌شود. نوسان در قیمت نفت و افزایش تقاضای جهانی انرژی برای توسعه اقتصادی، کشورهای عضو اتحادیه را ملزم کرده است تا نسبت به امنیت انرژی در منطقه اطمینان حاصل کنند. به همین سبب علم، فناوری و نوآوری در افزایش بهره‌وری انرژی و توسعه نسل آتی منابع انرژی بسیار ضروری است.

۵) مدیریت آب:

آب نیز نقش مهمی را در زندگی و تولید ایفا می‌کند. در نتیجه کشورهای عضو باید با بهره‌گیری از علم، فناوری و نوآوری به مدیریت موثر آب پردازند. به منظور حصول اطمینان از داشتن دسترسی به آب سالم، نوآوری‌ها باید در راستای تصفیه و تسهیل استفاده از آب و جلوگیری از بروز سیل و کمبود آن ترویج یابند.

۶) تنوع زیستی برای سلامت و ثروت:

اتحادیه‌ی آسیای جنوب شرقی به لحاظ تنوع زیستی یکی از مناطق غنی در جهان است. تلاش‌ها باید در جهت حفظ و استفاده درست از منابع و در راستای بهبود سلامت و خلق ارزش باشد. در این زمینه، علم، فناوری و نوآوری به عنوان ابزاری در جهت کشف جمعی گونه‌های جدید، توسعه‌ی موثر روش‌های حفظ و خلق ارزش از تنوع زیستی و کاربرد آن در حوزه‌های غذا، سلامت و انرژی است.

۷) علم و فناوری برای زندگی:

آینده‌ی اتحادیه‌ی آسیای جنوب شرقی در دستان جوانان این کشور است که مجهز به سواد علمی و صلاحیت حرفه‌ای هستند. خلاقیت و علاقمندی در علم، فناوری و نوآوری در جوانان، مسیری را برای خلق ظرفیت و یادگیری مادام‌العمر برای شهروندان کشورهای عضو هموار می‌کند و این امر در بردارنده‌ی سیستم آموزشی نوآورانه، آموزش عملی و آموزش عالی و همچنین کاهش فاصله در سیستم یادگیری و میان شغل و آموزش دانشگاهی است.

برنامه‌ی عملیاتی کرابی و تغییر الگو:

با کسب شناخت از اقدامات پیشین جامعه‌ی علمی، اتحادیه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی، جایی است که کلیه‌ی فعالیت‌ها به حیطة‌ی آکادمیک و دانشگاهی محدود می‌شود. فعالیت‌های کرابی از ضرورت و فوریت کمیته‌ی علم و فناوری اتحادیه است که به دنبال تغییر الگو است تا بتواند سودهایی را برای شهروندان به همراه داشته باشد. که عبارتند از:

۱. فرهنگ‌سازی علم، فناوری و نوآوری: شهروندان نیاز به وارد ساختن جریان اصلی علم، فناوری و نوآوری به مسیر زندگی خود در کشورهای عضو اتحادیه دارند. سیستم نوآوری باید در این جوامع در تمامی سطوح ساخته شود.

۲. توجه به قعر هرم: باید در نقشه‌ی فرهنگ اجتماعی جوامع کشورهای عضو تغییر ایجاد شود. چرا که برای توسعه‌ی انسانی که لازمه‌ی بهبود کیفیت زندگی شهروندان است به جمعیت اکثریت کشورهای عضو اتحادیه باید توجه ویژه شود و اینان کسانی هستند که در قعر هرم قرار دارند. در این زمینه باید توجه خاصی به نیازهای اساسی انسانی شهروندان مانند غذا، سلامت و دسترسی به اطلاعات و دانش شود.

۳. نوآوری جوان محور: شناسایی پویایی در نسل جوان کشورهای عضو اتحادیه به خصوص با تاکید بر جمعیت جوان این کشورها و غنی سازی زندگی و محیط یادگیری آنها با علم و فناوری به عنوان بنیانی مهم مورد توجه قرار گرفته است. فرصتهایی برای افراد جوان به منظور افزایش ظرفیت‌های علم، فناوری و نوآوری و کارآفرینی باید فراهم شود. به عنوان مثال اعطای جوایز، برنامه‌های بین کشوری و اعطای بودجه‌ی اولیه برای نوآوری‌های با تمرکز بر نسل جوان.

۴. علم، فناوری و نوآوری برای جامعه سبز: برای آمادگی بهتر در مواجهه شدن با چالش‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی شهروندان کشورهای عضو باید در بستر یکپارچه‌ی علم، فناوری و نوآوری و سایه‌ی در تغییرات آن به سمت جامعه‌ای با انتشار کربن کمتر حرکت کنند. همچنین، ترویج آگاهی عمومی و دانش محور در مورد سبک زندگی سازگار با محیط زیست و ترویج فناوری‌های سبز و مناسب میان کشورهای عضو به منظور رقابت و حفظ پایداری از دیگر اقدامات مهم در این حوزه است.

۵. بستر مشارکت عمومی - خصوصی: بخش خصوصی در گذشته نقش محدودی را در فعالیت‌های علم و فناوری ایفا کرده است. مشارکت بخش خصوصی و عمومی باید از طریق برقراری گفت‌وگو و بسترهای مشترک ارتقا یابد.

منبع:

ASEAN PLAN OF ACTION ON SCIENCE, TECHNOLOGY AND INNOVATION 2016-2025, ASSOCIATION OF SOUTHEAST ASIAN NATIONS.

مترجم: نیرا منتخبی بخت ور

تی لولز و بهبود آموزش فنی و حرفه‌ای و بهره‌وری در انگلستان

سیستم جدید تی لولز (T-level) تغییرات شگرفی در زمینه‌ی آموزش فنی و حرفه‌ای و مدیریت آن ایجاد کرده است و هدف آن ایجاد دوره‌های آموزشی همراه با آموزش نظری است تا بتواند سطح بهره‌وری و تولید در کشور بریتانیا را که بسیار عقب‌تر از آمریکا و آلمان است، بهبود ببخشد.

بودجه‌ی اعلام شده برای این طرح، تعداد ساعات آموزشی دانش‌آموزان را تا ۵۰ درصد افزایش می‌دهد و ۱۳۰۰۰ صلاحیت حرفه‌ای را به ۱۵۰۰۰ خواهد رساند. بودجه‌ی اضافی در نظر گرفته شده برای این طرح ۵۰۰ میلیون یورو در سال خواهد بود. چرا که بر اساس گزارش‌ها در عرصه‌ی بین‌المللی کشور انگلستان در قعر جدول لیگ آموزش فنی و حرفه‌ای قرار دارد. اسناد بودجه‌ای نشان می‌دهد که در حالی که برای سایر سطوح آموزشی بودجه در نظر گرفته شده است اما برای آموزش فنی باید بیش از این انجام شود. سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای در انگلستان برای دانش‌آموزان گیج‌کننده است. در حالی که ۱۳۰۰۰ صلاحیت حرفه‌ای به آن‌ها اعطا می‌شود، اما بسیاری از آن‌ها ارزش کمی دارند. ۱۵ دوره‌ی جدید مذکور شامل دوره‌ی هتل‌داری و تهیه‌ی غذا، ساخت و ساز، خدمات اجتماعی، مهندسی و تولید و... است. بر اساس این سیستم جدید تعداد ساعت آموزش برای اشخاص ۱۶ تا ۱۹ سال تا ۵۰ درصد و با میانگین ۹۰۰ ساعت در سال افزایش می‌یابد. هر دانش‌آموز سه ماه کار عملی را به عنوان بخشی از برنامه‌ی درسی خود باید بگذراند.

انتظار می‌رود که این تغییرات از سال ۲۰۱۹ اجرایی شود و بودجه‌ای مازاد و بیش از ۵۰۰ میلیون یورو در سال برای اجرای این دوره‌ها در نظر گرفته شده است. این برنامه بر اساس افزایش بودجه و به عنوان بخشی از تلاش‌ها در راستای ارتقا و وضعیت آموزش فنی و حرفه‌ای در کشور انگلستان است. اما اعلام این برنامه با انتقادهایی نیز همراه بوده است. به عنوان مثال یکی از انتقادهای وارده این است که سرمایه‌ی قابل توجه علاوه بر ۵۰۰ میلیون یورو اعلام شده لازم است؛ زیرا که بسیاری از دانشگاه‌ها به دلیل کمبود بودجه از تعداد کرسی‌ها در دانشگاه‌های خود کاسته و ظرفیت خود را کاهش داده‌اند. این‌ها مدارسی هستند که هیچ بودجه‌ای

برای فضای آموزشی دریافت نمی‌کنند و در سال‌های اخیر تنها بودجه‌ی دریافتیشان برای ارائه و اجرای برنامه‌ی آموزشی است.

در مقایسه با کشور هلند، در این کشور آموزش فنی و حرفه‌ای بهتری در دبیرستان‌ها ارائه می‌شود، که همراه با ۶۵۰ متر مربع فضا برای آموزش عملی است و سرمایه‌گذاری در این بخش بیش از ۱,۵ میلیون یورو به ازای هر مدرسه است. از انتقادات وارده به این طرح این است که در حال حاضر بسیاری از مدارس به دلیل نبود بودجه از بسیاری از برنامه‌های آموزشی خود کاسته‌اند و همین امر بر موضوعات فنی و حرفه‌ای نیز تاثیر داشته است. مشکل اصلی دولت این است که تفکر مشترک و واحدی از سوی دولت در مورد آموزش فنی وجود ندارد و کاهش بودجه منجر به کاهش کلی برنامه‌های آموزشی برای نوجوانان شده است. معیارهای جدید زمانی موفق هستند که تعداد کافی از دانش‌آموزان این نوع آموزش را انتخاب کنند. در حال حاضر بخش اعظمی از نوجوانان به خصوص دختران از ادامه‌ی تحصیل در علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات سر باز می‌زنند زیرا برایشان مشخص نیست که بعدها چه شغل‌هایی می‌توانند اختیار کنند و در عین حال این موضوعات را مختص به پسران می‌دانند.

دولت نیز از دانش‌آموزان می‌خواهد که در دانشگاه‌های ملی یا انستیتوهای فناوری تحصیل کنند و به آنان و یا کسانی که دوره‌های آموزش فنی را در سطح چهار تا شش در این موسسات می‌گذرانند، وام‌هایی مشابه با دانشجویان دانشگاه‌ها اعطا می‌کند.

سایر جزییات مطرح شده در مورد افزایش مهارت نیروی کار شامل صرف ۴۰ میلیون یورو تا ایجاد روش‌هایی برای آموزش مجدد آن‌ها برای دوران کاری و ۵ میلیون برای تحقیق برای افزایش تعداد افراد جهت بازگشت به کار است. بودجه‌ی در نظر گرفته شده برای آموزش از طرف خزانه‌داری انگلستان برای افزایش بهره‌وری است. در سال ۲۰۱۵ میزان بهره‌وری در انگلستان به ازای هر ساعت ۳۵ درصد کمتر از انگلستان و ۳۰ درصد کمتر از آمریکا بوده است. ضعف در مهارت‌ها در انگلستان باعث پیدایش چنین خلا پایدار در بهره‌وری در مقایسه با دو کشور فرانسه و آلمان بوده است.

منبع:

<https://www.theguardian.com/education/2017/mar/08/t-levels-aim-to-improve-technical-education-and-improve-uk-productivity>

مترجم: نیرا منتخبی بخت ور



سیاست محیط زیست



سیاست‌های انرژی کشور پرتغال

کشور پرتغال علی‌رغم فضای اقتصادی دشوار، توسعه و اصلاح سیاست انرژی خود را تداوم بخشیده است. تحولات قابل‌ملاحظه در فضای اقتصاد کلان پرتغال و اروپا از جمله کاهش مصرف انرژی و موانع تامین بودجه، سبب طرح پیشنهاد برای یکپارچه کردن برنامه اقدام ملی بهره‌وری انرژی و برنامه اقدام ملی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر شد. نتیجه چنین فرآیندی، معرفی یک استراتژی جدید در حوزه انرژی بود که بر اساس مصوبه ۲۰/۲۰۱۳ کابینه دولت پرتغال مطرح شد. این استراتژی امکان اتخاذ یک اقدام هماهنگ برای برآورده کردن اهداف اروپایی و ملی در حوزه انرژی، هزینه کم‌تر در حوزه سرمایه‌گذاری و رقابتی شدن بیشتر در سطح ملی را فراهم کرد. استراتژی جدید شامل پیشنهادها در راستای تقویت پیوند و ارتباط متقابل میان شبکه برق و گاز طبیعی پرتغال و نیز اقداماتی در راستای ترویج پایداری اقتصادی و زیست‌محیطی می‌شد.

برنامه اقدام جدید در حوزه بهره‌وری انرژی، مسئله بهره‌وری انرژی را به یک اولویت سیاستی تبدیل کرد و در عین حال ضامن تداوم بخش عمده‌ای از اقدامات مطرح شده در برنامه اقدام ۲۰۰۸ این کشور بود. برنامه اقدام بازنگری شده اهداف جدید در زمینه صرفه‌جویی انرژی تعیین کرده بود که شامل ۲۵ درصد کاهش مصرف انرژی‌های اولیه در سطح ملی و ۳۰ درصد کاهش مصرف انرژی در بخش دولتی می‌شد که می‌بایست تا سال ۲۰۲۰ تحقق یابند.

دولت پرتغال در راستای دستیابی به انسجام در سیاست‌گذاری یک وزارتخانه را با مسئولیت‌های انرژی، محیط‌زیست و برنامه‌ریزی فضایی به وجود آورد. تمرکز این مسئولیت‌ها ذیل یک وزارتخانه-وزارت محیط‌زیست، برنامه‌ریزی فضایی و انرژی- از توسعه و اجرای سیاست‌های انرژی پشتیبانی می‌کند. در این وزارت، معاونت انرژی و زمین‌شناسی مسئولیت هماهنگی در حوزه سیاست‌های انرژی از جمله اجرای برنامه اقدام ملی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و برنامه اقدام ملی در حوزه بهره‌وری انرژی را برعهده دارد. این معاونت، صرفه‌جویی در زمینه مصرف انرژی و تعیین اهداف و برنامه‌ریزی برای اقدامات جدید را رصد می‌کند.

سازمان‌های دولتی و نهادهای محلی مختلفی در حوزه انرژی به اجرای اقدامات سیاستی در سطح عملی می‌پردازند.

مانیتورینگ و سنجش منظم منابع جهت تحقق صرفه‌جویی در حوزه انرژی برای تضمین اجرای شفاف و مقرون به صرفه برنامه‌های اقدام ضرورت دارد. تقسیم وظایف و ایجاد هماهنگی میان نهادهای دولتی می‌بایست برای تضمین رصد موثر و کامل نتایج بهره‌وری انرژی و دست یافتن به داده‌های ضروری، شفاف باشد. رصد و نظارت بر اجرای استراتژی انرژی چالشی برای دولت را به نمایش می‌گذارد و می‌بایست ملاحظاتی برای ایجاد سازوکاری جهت بازنگری، ارزیابی و نظارت بر اجرای تمام مراحل این استراتژی و تضمین برآورده شدن مقرون به صرفه تمام نتایج در نظر گرفته شود.

کشور پرتغال که پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آتی افزایش دما و کاهش بارندگی را تجربه کند در مقابل تأثیرات تغییر اقلیم آسیب‌پذیر است. در واکنش به این موضوع، دولت پرتغال استراتژی ملی انطباق و سازگاری با تغییر اقلیم را به تصویب رسانده که هدف از تنظیم آن ارتقا سطح آگاهی و دانش در زمینه تغییر اقلیم، حمایت از اجرای اقدامات در زمینه انطباق با تغییر اقلیم و پیشبرد روزآمدسازی اقدامات در زمینه سازگاری با این پدیده در قالب سیاست‌های مرتبط با هر بخش است.

بازارهای برق و گاز طبیعی

رقابت در بخش عمده فروشی در این کشور شروع شده است و پیشرفت‌های زیادی در زمینه زیربنایی اتفاق افتاده است که موجب تقویت شبکه شده و امنیت بیشتر عرضه را محقق ساخته است. زیربنای انتقال از سال ۲۰۰۸ دستخوش برخی سرمایه‌گذاری‌های قابل ملاحظه شده است؛ ظرفیت ذخیره‌سازی در پایانه گاز طبیعی مایع سینز با اضافه شدن مخزن سوم افزایش یافته است. سه جایگاه جدید زیرزمینی ذخیره‌سازی راه‌اندازی شده‌اند و پروژه برای همکاری میان اسپانیا و پرتغال به عنوان پروژه با منافع مشترک از سوی کمیسیون اروپایی معرفی شد.

اجرای موفقیت‌آمیز پروژه بازار برق ایبریا و موفقیت آن لزوم اجرای پروژه بازار گاز طبیعی ایبریا را نشان می‌دهد. با این حال، پیشرفت این پروژه از سال ۲۰۰۸ بسیار کند بوده است. بازار منطقه‌ای گاز طبیعی امنیت بیشتر انرژی را ارائه می‌کند و به شرکت‌کنندگان در بازار امکان دسترسی به تعداد بیشتری از گزینه‌های تامین انرژی را فراهم می‌کند. در بخش برق، اپراتور بازار موسوم به OMIP هم‌اکنون طیف گسترده‌ای از خدمات از جمله قیمت‌های فزاینده برای بیش از سه سال و حق انتقال مالی برای جریان انتقال برون مرزی برق را ارائه می‌کند. اسپانیا و پرتغال پیشرفت خوبی به سوی هدف ۲۰۲۰، ۳ گیگاوات از ظرفیت تجمعی، را حاصل کرده‌اند. در سال ۲۰۱۴، پیشرفت‌هایی برای تامین خدمات متوازن سازی با فرانسه صورت گرفت.

تحلیل سیاست‌گذاری

عرضه انرژی

پرتغال ۵/۶ میلیون تن انرژی در سال ۲۰۱۴ تولید کرده است. این انرژی از منابع تجدیدپذیر تولید شده است که سال به سال مجموع میزان تولیدی را با نوسان همراه کرده است. در سال ۲۰۱۴، انرژی حاصل از سوخت‌های زیستی و پسماندها (۵۲/۲٪)، برق آبی (۲۳/۹٪)، باد (۱۸/۵٪)، زمین‌گرایی (۳/۱٪) و خورشیدی (۲/۳٪) بوده است. انرژی برق بادی، خورشیدی، زمین‌گرایی، و سوخت‌های زیستی و پسماندها به ترتیب با نرخ سالانه ۳۱ درصد، ۲۰ درصد، ۸/۴ درصد و ۰/۲ درصد در طول ۱۴-۲۰۱۳ افزایش یافته است. افزایش تولید انرژی برق بادی و خورشیدی محرک اصلی تولید رو به رشد انرژی در پرتغال بوده است. در سال ۲۰۱۴، کل انرژی تولیدی ۴۴/۴٪ بالاتر از سال ۲۰۰۴ بود.

پرتغال بر واردات سوخت‌های فسیلی برای بخش عمده‌ای از نیازهای خود در حوزه انرژی متکی است. این بخش به عنوان منبع انرژی داخلی چیزی در حدود ۲۷ درصد از کل انرژی اولیه تامین شده را تشکیل می‌دهد. سهم سوخت فسیلی پرتغال چیزی در سطح میانی است؛ بین بلژیک و جمهوری چک در میان اعضای سازمان بین‌المللی انرژی.

تقاضای انرژی

مجموع مصرف نهایی پرتغال به حدود ۱۶/۲ میلیون تن در سال ۲۰۱۳ می‌رسد. مجموع مصرف نهایی تقریباً ۷۵ درصد کل انرژی اولیه تامین شده را تشکیل می‌دهد و باقی مانده در تولید برق و سایر صنایع انرژی به کار گرفته می‌شود. مجموع مصرف نهایی میان سال ۲۰۰۳ و ۲۰۱۳، ۱۸/۹٪ کاهش یافته است، هرچند در سال ۲۰۰۵ با مقداری افزایش به ۲۰/۵ میلیون تن رسیده بود. در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳، مصرف در بخش صنعتی ۲۶/۷٪ کاهش یافته بود. بخش‌های مسکونی و تجاری، به ترتیب کاهش مصرف ۱۵/۳ و ۳/۵ درصدی را تجربه کرده بودند.

نهادهای مسئول در حوزه انرژی

معاونت انرژی و زمین‌شناسی در وزارت محیط‌زیست، انرژی و برنامه‌ریزی فضایی جای گرفته است. این معاونت مسئول توسعه و اجرای سیاست‌های مرتبط با انرژی و منابع زمین‌شناختی در یک چارچوب ضامن پایداری و امنیت عرضه انرژی است. به‌علاوه این معاونت از تصمیم‌گیری دولت در دوران بحران انرژی و/یا شرایط اضطراری پشتیبانی به‌عمل می‌آورد و از مشارکت این وزارتخانه در سطح اروپایی و بین‌المللی حمایت می‌کند.

آزمایشگاه ملی انرژی و زمین‌شناسی یک آزمایشگاه دولتی است که با نظارت وزارت محیط‌زیست، انرژی و برنامه‌ریزی فضایی فعالیت می‌کند. این آزمایشگاه از سرمایه‌گذاری‌های تحقیق و توسعه در تحقیقات پایداری حمایت می‌کند و مأموریت آن ترویج و پیشبرد توسعه اقتصادی و کمک به افزایش رقابت‌پذیری و ترقی پایدار اقتصاد پرتغال است.

نهاد تنظیم مقررات خدمات انرژی یک سازمان تنظیم مقررات در سطح ملی برای گاز طبیعی و برق است. این نهاد یک سازمان دولتی و مستقل از لحاظ مالی است که هدف از تشکیل آن نظارت بر بخش گاز طبیعی و برق است. این سازمان در اعمال کارویژه مربوط به خود مستقل و در چارچوب قانون عمل می‌کند و مأموریت آن

مواردی از قبیل صیانت از حقوق و منافع مشتریان در ارتباط با بهای خدمات، کیفیت خدمات، دسترسی به اطلاعات و امنیت عرضه را دربرمی‌گیرد.

ماموریت نهاد رقابت کشور پرتغال که در سال ۲۰۰۳ تاسیس شده است، تضمین تبعیت و پیروی از قواعد و قوانین در حوزه رقابت است. این نهاد اختیار تنظیم مقررات در زمینه رقابت در تمام بخش‌های اقتصاد از جمله بخش انرژی با هماهنگی با سایر حوزه‌های دیگر را دارد.

آژانس محیط‌زیست پرتغال یک نهاد دولتی تحت اقتدار وزارت محیط‌زیست این کشور است. ماموریت این نهاد طرح، توسعه و نظارت به شیوه یکپارچه و مشارکتی، سیاست‌های عمومی برای محیط‌زیست و توسعه پایدار در همکاری نزدیک با سیاست سایر بخش‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی است. این آژانس مدیریت صندوق کربن پرتغال، یک ابزار مالی دولتی که در بازارهای کربن در راستای ضمانت از پیروی از اهداف ملی در زمینه تغییر اقلیم نقش ایفا می‌کند، را بر عهده دارد.

سازمان ملی مسئول در حوزه بازار سوخت یک شرکت دولتی تحت نظارت وزارت دارایی و وزارت انرژی پرتغال است. وزارت انرژی پرتغال دارای سه مسئولیت عمده و اصلی است: هماهنگی، تخصیص و فروش سهام در طول بحران تامین انرژی، تامین مجوز فروش ذخایر مازاد تحت اختیار این نهاد [سازمان ملی بازار سوخت] و تصدیق میزان و مقداری که شرکت‌کنندگان بازار برای حمایت از سازمان فوق‌الذکر پرداخت می‌کنند است.

آژانس انرژی (ADENE) در سال ۱۹۸۴ تاسیس شد و پیش‌تر به عنوان «مرکز حفاظت از منابع انرژی» شناخته شد، دارای برخی وظایف عمومی در ارتباط با حوزه بهره‌وری انرژی و مسائل مرتبط با آن است و عرصه رابط با سایر حوزه‌ها نیز محسوب می‌شود. این آژانس مسئولیت هماهنگی در ارتباط با آموزش کارشناسان ذی‌صلاح در زمینه دستورالعمل اتحادیه اروپا مربوط به عملکرد انرژی ساختمان‌ها را برعهده دارد.

انجمن انرژی پرتغال یک نهاد غیر انتفاعی و غیردولتی خدمات عمومی و فعال در حوزه انرژی و محیط‌زیست در پرتغال است. ماموریت این نهاد ترویج مباحثه عمومی در ارتباط با توسعه بخش انرژی در کشور پرتغال است.

سیاست‌های اصلی

پرتغال از سال ۲۰۰۸ در حال شکل دادن به یک سیاست انرژی است که تاکید خاصی بر بهره‌وری انرژی و ترویج انرژی‌های تجدیدپذیر دارد. این سیاست‌ها ابزار اصلی دولت پرتغال برای مقابله با تغییر اقلیم و کاهش وابستگی به واردات انرژی و در عین حال حفظ سطح مطلوب و متناسب از امنیت تامین و عرضه انرژی هستند. پرتغال اخیراً مجموعه‌ای از اقدامات تصویب شده است که بر از میان برداشتن «کمبود تعرفه» و احیای پایداری اقتصادی نظام انرژی تمرکز دارد. این اقدامات برای پیشگیری از رشد غیرقابل کنترل مخارج و هزینه‌ها و در عین حال ترویج رقابت بیشتر و تصمیمات موثرتر در حوزه سرمایه‌گذاری لازم بوده است. استراتژی ملی انرژی ۲۰۲۰ که با مصوبه ۲۹/۲۰۱۰ به تایید رسیده است، تداوم استراتژی پیشین این کشور در سال ۲۰۰۵ بوده است.

برنامه اقدام ملی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و برنامه اقدام ملی در حوزه بهره‌وری انرژی

پرتغال اولین نسخه از برنامه اقدام ملی خود در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر را در سال ۲۰۰۷ تقدیم کمیسیون اروپا کرده بود. پس از تصویب و تایید این برنامه اقدام، دولت پرتغال مجموعه‌ای از اقدامات در راستای ترویج انرژی‌های تجدیدپذیر، از جمله یک منطقه پایلوت برای فناوری امواج، پروژه‌های توسعه فناوری انرژی خورشیدی و ایستگاه‌های مختلف برق فتوولتائیک در جنوب این کشور راه‌اندازی و معرفی کرده است. دولت پرتغال دومین برنامه اقدام ملی در حوزه بهره‌وری انرژی را در ژوئن ۲۰۱۱ برای تصویب کمیسیون اروپا را تسلیم این نهاد کرد. تحولات قابل‌ملاحظه در فضای اقتصاد کلان پرتغال و اتحادیه اروپا (از جمله کاهش مصرف انرژی و موانع و محدودیت‌های تامین بودجه) و لزوم بازنگری در برنامه اقدام ملی در حوزه بهره‌وری انرژی که از جانب دستورالعمل بهره‌وری انرژی اتحادیه اروپا تحمیل شده بود به بازنگری در برنامه‌های

بهره‌وری انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر این اتحادیه اروپا منجر شد. نتایج این بازنگری در قالب نسخه روزآمد شده برنامه‌های اقدام ملی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی انتشار یافت.

تجمیع و یکپارچه‌سازی این دو برنامه اقدام امکان اتخاذ اقدام هماهنگ در راستای تحقق اهداف انرژی در سطح ملی و اروپایی، به‌حداقل رساندن هزینه‌های سرمایه‌گذاری و افزایش رقابت‌پذیری در سطح ملی را فراهم کرده است. اهداف بازنگری شده هر دو برنامه اقدام شامل موارد ذیل می‌شود:

- برآورده ساختن تمام تعهدات پرتغال در ارتباط با تعهدات این کشور نسبت به اتحادیه اروپا
- کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای
- تقویت و افزایش تنوع بخشی به منابع انرژی اولیه که افزایش امنیت تامین انرژی کمک می‌کند
- افزایش بهره‌وری انرژی در حوزه اقتصاد، به ویژه در مدیریت عمومی که به کاهش مخارج عمومی کمک می‌کند
- کمک و ایفای نقش در زمینه رقابت‌پذیری اقتصادی در سطح ملی از طریق کاهش مصرف انرژی و هزینه‌های واردات

برنامه اقدام ملی در زمینه بهره‌وری انرژی مسئله بهره‌وری انرژی را با در نظر گرفتن اینکه صرفه‌جویی و ذخیره انرژی حفاظت از محیط‌زیست و امنیت انرژی را با هزینه معقول ترغیب کرد به یک اولویت سیاست‌گذاری تبدیل کرد. به‌علاوه، این برنامه اقدام سبب تداوم بخش عمده‌ای از اقداماتی شد که در برنامه اقدام ۲۰۰۷ در زمینه بهره‌وری انرژی جای گرفته بود.

تغییر اقلیم

اهداف و مقاصد

مطابق با کنوانسیون چارچوب سازمان ملل در زمینه تغییر اقلیم، میانگین انتشار گازهای گلخانه‌ای میان سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ بدون احتساب کاربری زمین، تغییر در کاربری زمین و جنگل‌داری، ۷۲/۴ میلیون تن

[معادل] دی‌اکسید کربن بوده که ۱۹ درصد بیشتر از ۶۰/۹ میلیون تن دی‌اکسید کربن در سال ۱۹۹۰ است. میانگین انتشار گازهای گلخانه‌ای با احتساب کاربری زمین، تغییر در کاربری زمین و جنگل‌داری، ۵۸/۲ میلیون تن دی‌اکسید کربن بوده است که ۲/۷٪ کمتر از ۶۰/۹ میلیون تن دی‌اکسید کربن در سال ۱۹۹۰ است.

شدت کربن

در کشور پرتغال شدت کربن که از طریق انتشار کربن با تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید (GDP PPP) محاسبه می‌شود معادل ۰/۲ تن دی‌اکسید کربن در هر ۱۰۰۰ دلار آمریکا در سال ۲۰۱۳ بوده است. این میزان کم‌تر از میانگین آژانس بین‌المللی انرژی، ۰/۳ تن دی‌اکسید کربن در هر ۱۰۰۰ دلار آمریکا است.

سیاست‌ها و اقدامات

اهداف پرتغال در حوزه گازهای گلخانه‌ای از اهداف ۲۰۲۰ اتحادیه اروپا گرفته شده است. دولت پرتغال در پی تقسیم وظایف اتحادیه اروپا در قالب اهداف ۲۰۲۰، افزایش انتشار از بخش‌های خارج از طرح تجارت انتشار اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۲۰ به ۱ درصد بالاتر از سطح انتشار سال ۲۰۰۵ محدود خواهد کرد. برای انجام چنین کاری، دولت پرتغال می‌تواند از سازوکارهای بین‌المللی انعطاف برای پوشش دادن میزانی معادل ۴ درصد از انتشار در بخش‌های خارج از طرح تجارت انتشار در سال ۲۰۰۵ استفاده کند. بخش مربوط به طرح تجارت انتشار در محدوده اتحادیه اروپا به طور کلی کاهش انتشار ۲۱ درصدی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ را خواهد داشت. هدف پرتغال برای دوره اول تعهد کیوتو افزایش ۲۷ درصدی نسبت به سال پایه بوده است.

طرح تجارت انتشار اتحادیه اروپا^۱

طرح تجارت انتشار اتحادیه اروپا یک نظام تجارت انتشار الزام‌آور است که انتشار کربن از صنایع انرژی بر [با مصرف انرژی بالا] را شامل می‌شود. این طرح در سال ۲۰۰۵ آغاز شد و نخستین دوره تعهدات آن تا پایان سال ۲۰۰۷ ادامه داشت. مرحله دوم این تعهدات، سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۸ را شامل می‌شد. مجتمع‌های صنعتی مشمول این طرح می‌توانند یا از طریق کاهش انتشار تعهدات خود را محقق سازند یا با خریداری مجوزهای انتشار از سایر مجتمع‌های تحت پوشش این طرح و یا طبق سازوکارهای منعطف پروتکل کیوتو (اجرای مشترک یا مکانیسم توسعه پاک) از طریق خرید اعتبارات این تعهدات الزام‌آور را برآورده سازند. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲، مجوزهای انتشار بر اساس طرح تخصیص ملی [کشوری] به مجتمع‌ها یا کارخانه‌های صنعتی تخصیص داده می‌شد. طرح تخصیص ملی را طبق معیارهای مندرج در دستورالعمل ETS (طرح تجارت انتشار) که بعدها به تأیید کمیسیون اروپا هم رسیده بود، از سوی دولت‌ها تهیه می‌شد. بیش از ۹۵ درصد از مجوزهای انتشار به صورت رایگان به شرکت‌ها تخصیص داده می‌شد. تخصیص زیاده از حد مجوزها و رکود فعالیت‌های اقتصادی، به مازاد قابل توجه در ارائه مجوزها، کاهش قابل توجه بهای آن‌ها و نیاز به اصلاح شیوه طرح تجارت انتشار انجامید.

مرحله یا فاز سوم طرح تجارت انتشار اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ را دربرمی‌گیرد و به کلی متفاوت از مراحل گذشته است. دیگر نیازی به طرح‌های تخصیص ملی نیست و به جای آن یک سقف انتشار^۲ در قالب این طرح در سطح اتحادیه اروپا تعیین می‌شود. این سقف انتشار از ۲۰۱۰ به بعد هر سال ۱/۷۴ درصد کاهش می‌یابد که در مجموع تا سال ۲۰۲۰ به کاهش ۲۱ درصدی انتشار نسبت به سطوح انتشار در سال ۲۰۰۵ می‌انجامد. بیش از ۴۰ درصد مجوزها به مزایده گذاشته می‌شوند و بخش تولید برق دیگر مجوزهای رایگان انتشار دریافت نمی‌کند. در ارتباط با بخش‌هایی که هنوز هم مجوزهای رایگان انتشار دریافت می‌کنند، از جمله صنایع تولیدی و بخش گرمایش، قواعد تخصیص متوازن و هماهنگ بر مبنای معیارهای بهترین عملکرد انتشار در سطح اتحادیه اروپا به کار گرفته می‌شود. سقف مجزایی هم برای بخش هوانوردی در نظر گرفته می‌شود. از سال ۲۰۲۱ تا

¹ European Union Emissions Trading Scheme (EU-ETS)

² ETS cap

۲۰۳۰، هر سال تعداد مجوزهای انتشار ۲/۲ درصد کاهش می‌یابد. انتظار می‌رود از سال ۲۰۱۹ میزان مجوزهای ذخیره برای ثبات بازار تعیین شود.

در پرتغال، بخش مربوط به طرح تجارت انتشار شامل حدوداً ۲۱۴ کارخانه یا تاسیسات می‌شود و در حدود ۳۷ درصد از کل انتشار گازهای گلخانه‌ای در این کشور را در برمی‌گیرد. کاهش انتشاری که از بخش‌های مشمول این طرح حاصل خواهد شد ۲۱ درصد نسبت به سطح انتشار در سال ۲۰۰۵ خواهد بود. در دوره تعهدات ۲۰۰۵-۲۰۰۷، بخش مربوط به طرح تجارت انتشار به‌طور میانگین سالانه ۳۷/۹ میلیون تن مجوز تخصیص داده است درحالی‌که میزان انتشار واقعی ۱۰۰/۷ میلیون تن یا میانگین آن ۳۳/۶ میلیون تن بوده است. در دوره تعهد ۲۰۰۸-۲۰۱۲، میانگین تخصیص سالانه ۳۱/۸ میلیون بود درحالی‌که میزان انتشار واقعی تنها ۱۳۲/۶ میلیون تن یا به‌طور متوسط سالانه ۲۶/۵ میلیون تن بوده است. میزان انتشار کربن در حوزه مرتبط با طرح تجارت انتشار اتحادیه اروپا، نسبت به سطح سال ۲۰۰۵، ۳۱ درصد کم‌تر بوده است.

در دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۳، پرتغال درآمدهایی از محل به مزایده گذاشتن مجوزهای انتشار کسب خواهد کرد. حکم-قانون ۳۸/۲۰۱۳ که دستورالعمل ۲۰۰۹/۲۹/EC کمیسیون اروپا را به قانون کشور تبدیل شد مقرر می‌دارد که ۱۰۰ درصد درآمدهای حاصل از مزایده در راستای حمایت از صندوق کربن پرتغال به کار گرفته می‌شوند. این پول به‌منظور حمایت از سیاست‌گذاری اقلیمی به کار گرفته می‌شود و بیانگر تخصیص عینی (کاهش آثار، انطباق، تحقیق و توسعه و همکاری با کشورهای درحال توسعه) درآمدهایی است که به‌طور مستقیم به جبران هزینه‌های اضافی انرژی تجدیدپذیر تخصیص نیافته است؛ از آن جمله ۳۰ درصد از درآمدها می‌بایست در تأمین مالی سیاست‌گذاری در زمینه انطباق با تحولات اقلیمی به کار گرفته شود.

اقدامات داخلی خارج از حوزه طرح تجارت انتشار

تعهدات مرتبط با رشد سبز

پرتغال به‌تازگی یک برنامه تعهدات بلندمدت- تعهدات مرتبط با رشد سبز- را از سر گرفته است که اهداف و طرح‌هایی را در زمینه مشاغل سبز یا زیست‌محیطی، بهره‌وری منابع، بهره‌وری انرژی، تحرک انرژی برق،

برنامه‌ریزی فضایی، مدیریت جنگل‌ها، بهره‌وری در حوزه منابع آبی، کیفیت آب‌وهوا و تنوع زیستی را مشخص کرده است. به‌علاوه این برنامه هدف ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در سال ۲۰۳۰ نسبت به سال ۲۰۰۵ را تعیین کرده است و قرار است سهم انرژی‌های تجدیدپذیر را در سال ۲۰۳۰ به ۴۰ درصد افزایش یابد.

تعهدات مرتبط با رشد سبز درصدد آن است بنیان‌های اولیه در ارتباط با تعهد به سیاست‌ها، اهداف و مقاصد را تشکیل دهد تا یک مدل توسعه را ترویج کند که رشد اقتصادی ضروری را با مصرف کم‌تر منابع طبیعی، عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی برای افراد آشتی دهند.

اصلاحات مرتبط با مالیات سبز

هدف از اصلاحات مرتبط با مالیات سبز یا محیط زیستی ایجاد انگیزه برای نوآوری و توسعه پایدار است تا امکان ایجاد آشتی میان محیط‌زیست و رشد اقتصادی فراهم آید و درعین حال عدم انطباق با اصول کلی و اهداف سیاست‌گذاری زیست‌محیطی به‌ویژه آنهایی که در دستورالعمل‌ها و استانداردهای مربوط هر یک از کشورها و نیز اتحادیه اروپا مطرح شده‌اند نداشته باشد. این اصلاحات می‌بایست بهره‌گیری مؤثر از منابع را تشویق کند و بدین ترتیب از سرمایه طبیعی محافظت و نگهداری و استفاده پایدار و منصفانه از خاک، زمین و نواحی شهری را تقویت کند. درعین حال می‌بایست نشانه‌هایی از این ارائه دهد که شرایط را برای گذار از یک اقتصاد کم‌کربن تسهیل خواهد کرد.

طبق اصل بی‌طرفی مالیاتی، درآمد خالص حاصل از اصلاحات مرتبط با مالیات محیط زیستی یا سبز برای کاهش مالیات بر درآمدهای افراد اختصاص داده خواهد شد. به‌علاوه، این مالیات شامل یک مالیات کربن نیز می‌شود که در کنار بهای مجوزها [انتشار] در حوزه طرح تجارت انتشار اتحادیه اروپا فهرست آن آمده است به‌منظور حصول تصمیمات کارآمدتر در حوزه مصرف و ترویج اقتصاد کم‌کربنی است که رقابتی، نوآورانه و جامع باشد و در بهره‌گیری از منابع، به‌طور مشخص منابع انرژی، کارآمدتر باشد. به‌علاوه این طرح مشوق‌هایی در ارتباط با وسایل حمل‌ونقل برقی، تنوع زیستی و تحرک پایدار را شامل می‌شود.

راهبرد ملی انطباق با تغییر اقلیم

راهبرد ملی انطباق با تغییر اقلیم در پرتغال در سال ۲۰۱۰ به تصویب رسید. این لایحه ابزار سیاست‌گذاری مهمی است که برجستگی و اهمیت جهانی مسئله انطباق با تغییر اقلیم را مدنظر قرار می‌دهد و زمینه‌ساز افزایش آگاهی در ارتباط با الزامات انطباق ناشی از تغییر اقلیم می‌شود. بر اساس این چارچوب راهبردی در سال ۲۰۱۲، یک گزارش پیشرفت در زمینه بخش انرژی تهیه شد که اقدامات مرتبط با انطباق، کاهش آثار و پیشگیری از آسیب‌پذیری‌های مربوط به این حوزه را شناسایی می‌کرد و بر اساس آن توصیه و پیشنهادهایی در زمینه‌های مرتبط ارائه می‌کرد. این گزارش بیش از هر چیز بر به حداقل رساندن و پیشگیری از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های شناخته‌شده در زمینه زیرساخت انرژی، حوزه‌های مشخص ریسک و آسیب‌پذیری زیرساخت اصلی، شناسایی اقدامات انطباقی، موانع انطباق، وابستگی متقابل با سایر بخش‌ها تمرکز و خلأهای علمی کلیدی در ارتباط با بخش انرژی شناسایی و توصیه‌هایی را ارائه کرده است.

به‌تازگی یک سند جدید راهبرد ملی انطباق ۲۰۲۰ با تغییر اقلیم در کنار چارچوب راهبردی برای سیاست‌گذاری تغییر اقلیم به تصویب رسیده است. این سند درصدد آن است که سطح آگاهی و دانش در زمینه تغییر اقلیم را ارتقا بخشد، اقدامات انطباقی را به مرحله اجرا درآورد و روزآمدسازی سیاست‌گذاری انطباق با تغییر اقلیم در سیاست‌های حوزه‌ای را ترویج کند.

محمد امین کاظم‌لو

سیاست‌های اقلیمی دولت چین؛ همکاری آلمان و چین در حوزه اقلیم و حفاظت از محیط زیست

«ما باید با اکوسیستمی بسازیم که به مادر طبیعت و توسعه سبز اولویت می‌دهد؛ به هر حال ما همگی بخشی از طبیعت هستیم».

این درخواست از جانب شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین در نشست توسعه پایدار سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ به تعهد چین بر محدود کردن تغییرات اقلیمی و تشویق به حفاظت از محیط‌زیست تاکید می‌کند. هر دو این موضوعات از بزرگترین چالش‌های جهانی است که ما امروزه با آن مواجه هستیم. چین با دارا بودن تقریباً یک پنجم جمعیت جهان و قریب به یک چهارم سهم از انتشار گازهای گلخانه‌ای نقش مهم و محوری در مقابله با این چالش‌ها ایفا خواهد کرد. در سالیان اخیر، دولت چین به شکل فزاینده‌ای آثار مخرب و آسیب‌زننده بر طبیعت و اقلیم جهانی ما، که مسبب اصلی آن رشد سریع اقتصادی این کشور بوده را به رسمیت شناخته است. مفاهیم مثل اقتصاد مدور، نوآوری اکولوژیک یا گونه‌جدیدی از شهری‌شدن در سطح ملی که از سوی دولت چین ترویج و تبلیغ می‌شود بیانگر تحول این کشور به سوی شرایطی است که رئیس‌جمهور چین آن را تعقیب «توسعه سبز و کم کربن» خوانده است.

برای مدت هشت سال، وزارت محیط‌زیست، حفاظت از منابع طبیعی و ایمنی هسته‌ای آلمان به پیشبرد و تامین بودجه طرح‌های مرتبط با تغییر اقلیم و تنوع زیستی از طریق ابتکار بین‌المللی اقلیم در چین و بسیاری از کشورهای دیگر مشغول بوده است. در چارچوب همکاری و شراکت راهبردی چین و آلمان، نه طرح دوجانبه، یک طرح یا پروژه منطقه‌ای و نه پروژه جهانی که تامین مالی آنها از طریق ابتکار بین‌المللی اقلیم و از سوی دولت آلمان صورت گرفته است در مقطع کنونی در همکاری با شرکای چینی در حال اجرایی شدن هستند. همچنین، پروژه‌های جهانی از طریق ابتکار بین‌المللی اقلیم در چین که از جانب برنامه توسعه سازمان ملل متحد، بانک جهانی، موسسه و جامعه آلمانی همکاری بین‌المللی (GIZ) طیف گسترده‌ای از موضوعات از قبیل بهره‌وری انرژی، گفتگوهای زیست‌محیطی و اقتصاد سبز را دربرمی‌گیرد هرچند اغلب تمرکز بیشتری بر به اشتراک گذاشتن تجربه و دانش در میان طیف وسیعی از کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور دارد.

پروژه-چه دوجانبه چه جهانی باشد- ویژگی مشترک تمامی آنها این است که موفقیت آنها وابستگی قابل ملاحظه‌ای به همکاری جدی و نیرومندان میان شرکای صاحب‌نقش و مشارکت‌کننده دارد.

مواجهه با مسئله تغییر اقلیم در چین

چالش‌های زیست‌محیطی جهان از جمله تغییر اقلیم بدون حضور چین قابل حل نخواهند بود. از سال ۲۰۱۰، چین انتشاردهنده عمده کربن دی‌اکسید بوده و هم‌زمان به میزان قابل‌ملاحظه‌ای از تاثیرات تغییر اقلیم و خسارات زیست‌محیطی ناشی از دهه‌ها رشد اقتصادی سریع و ناپایدار رنج برده است. بهره‌کشی از محیط‌زیست و طبیعت تاثیرات منفی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی داشته است. هزینه‌های سالانه تحمیل شده ناشی از آسیب و ضرر رسیدن به اقلیم و محیط‌زیست بالغ بر ۲۳۰ میلیارد دلار آمریکا یا ۳/۵٪ تولید ناخالص داخلی می‌شود. دولت چین از این چالش آگاه است و برنامه خود را به سوی رشد پایدارتر در کنار توسعه کم کربن و تمدن اکولوژیک تنظیم می‌کند. تنها با وجود چین به عنوان یک شریک نزدیک و جدی می‌توان به شکل موفقیت‌آمیزی انتشار کربن را کاهش داد. آلمان در کنار نقش پیشرو خود در حوزه سیاست محیط‌زیست و اقلیم، یکی از مهم‌ترین شرکای چین در تحقیق ترقی و پیشرفت پایدار در زمینه حفظ محیط‌زیست نه تنها در راستای منفعت جهانی بلکه در جهت منافع دوجانبه هر یک از کشورها است. چین با در نظر داشتن رشد اقتصادی سریع و تاثیرات منطقه‌ای خود نقش یک مدل الگو برای همکاری با کشورهای نوظهور آسیایی و کشورهای در حال گذار را دارد.

در سال ۲۰۰۷، برنامه ملی چین در حوزه تغییر اقلیم نهایی شد. این برنامه ملی طرح‌کننده است که بر کاهش و انطباق با تغییر اقلیم تمرکز می‌کند. این برنامه شامل اقدامات مختلفی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست و تغییر اقلیم به منظور تثبیت و چه بسا توقف رشد انتشار کربن می‌شود. برنامه مذکور با مورد توجه قرار دادن مسئله تغییر اقلیم برای نخستین بار در برنامه پنج ساله دوازدهم چین تداوم یافت. برنامه پنج ساله دوازدهم از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ با هدف کاهش تدریجی استفاده از سوخت‌های فسیلی و افزایش صرفه‌جویی و بهره‌وری انرژی طراحی شده بود. مصرف انرژی طبق این برنامه تا ۱۶ درصد در هر واحد تولید ناخالص داخلی (نسبت به سطح سال ۲۰۱۰) و انتشار کربن دی‌اکسید تا ۱۷ درصد در هر واحد تولید ناخالص داخلی (در مقایسه با سطح سال

کاهش خواهد یافت. تا سال ۲۰۲۰، نسبت جنگل‌ها در مقایسه به سطح ۲۰/۴٪ در سال ۲۰۱۰، ۲۳ درصد افزایش خواهد یافت. به‌علاوه هفت برنامه پایلوت مربوط به نظام تجارت انتشار کربن در مناطق و شهرهای مختلف چین برای آزمایش طرح‌های گوناگون از سر گرفته شده است. طرح موسوم به ابتکار بین‌المللی اقلیم حمایت جدی برای تدارک شرایط مناسب برای اجرای این طرح‌های پایلوت فراهم کرده است. پروژه طرح تجارت انتشار در ارتباط با توسعه ظرفیت همراه با مقامات محلی در سطح منطقه‌ای در استان‌های شنژن، گوانگ دونگ و شانگهای و در سطح کشوری با کمیسیون اصلاح و توسعه ملی عمل می‌کند. از آنجایی که طرح‌های تجارت انتشار نشان داده‌اند که ابزار سیاستی مقرون به صرفه‌ای در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند، دولت چین قصد دارد یک طرح ملی تجارت انتشار در سال ۲۰۱۷ معرفی و طرح کند که به عنوان ابزار هادی در چارچوب سیاست اقلیمی چین به کار گرفته شود.

برنامه پنج ساله سیزدهم چین (۲۰۱۶-۲۰۲۰) بر کاهش کربن متمرکز است که در برنامه پنج ساله دوازدهم این کشور تعیین شده است که در آن چین از سقف هدف خود که کاهش ۴۰ تا ۴۵ درصدی شدت کربن تا سال ۲۰۲۰ باشد فراتر خواهد رفت. قانون جامع تغییر اقلیم که برآورد می‌شود در آینده نزدیک منتشر شود مبنای قانونی لازم برای کاهش انتشار کربن فراهم خواهد کرد. چین در کمیسیون ملی توسعه متعهد به برآورده ساختن اهداف ذیل است:

- دستیابی به بالاترین میزان انتشار کربن دی‌اکسید در سال ۲۰۳۰ و افزایش ظرفیت برای زودتر رسیدن به این میزان
- کاهش میزان انتشار کربن دی‌اکسید در هر واحد از تولید ناخالص داخلی به میزان ۶۰ تا ۶۵ درصد نسبت به سطح سال ۲۰۰۵
- افزایش حجم گیاهان جنگلی به میزان ۴/۵ میلیارد متر مکعب نسبت به سطح سال ۲۰۰۵
- افزایش سهم سوخت‌های غیرفسیلی در مصرف انرژی اولیه تا حدود ۲۰ درصد

ارقام کنونی حاکی از آن است که اقدامات چین در مقابله با تغییر اقلیم از مدت‌ها پیش تاثیر قابل توجهی به همراه داشته است. طبق داده‌های کمیسیون ملی توسعه چین، سطح انتشار دی‌اکسید کربن در هر واحد تولید

ناخالص داخلی، ۳۳/۸٪ کم‌تر از سطح سال ۲۰۰۵ بوده است. به‌علاوه، جدیدترین داده‌های اقتصادی برای سال ۲۰۱۵ بیانگر آن است که انتشار کربن ناشی از مصرف سوخت‌های فسیلی در حدود ۳ درصد کاهش یافته است. این نتایج امیدوارکننده‌ای که نشان می‌دهد چین دغدغه جدی و عمیقی در ارتباط با مسئولانه عمل کردن در قبال چالش‌های تغییر اقلیم دارد. وزارت محیط‌زیست آلمان همکاری نزدیکی با دولت چین دارد تا این کشور اقدامات خود در راستای نیل به اهداف بلندپروازانه خود در ارتباط با تغییر اقلیم را پیش ببرد.

همکاری آلمان و چین در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر

در ژانویه ۲۰۰۹، دولت‌های آلمان و چین بر سر تقویت همکاری‌های دوجانبه در زمینه حفاظت از اقلیم به توافق رسیدند. یک گروه کاری دوجانبه در سطح بالا به عنوان ابزار محوری این همکاری شکل گرفت. از سال ۲۰۱۰، وزارت‌خانه‌های مختلف و نهادهای فرعی این کشورها در نشست‌های سالانه گروه کاری دوجانبه به منظور تبادل تجارب در حوزه استراتژی‌های کاهش آثار تغییر اقلیم و پروژه‌های همکاری اقلیمی شرکت می‌کنند. گفتگوها در فاز اول پروژه (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴) شکل گرفت و در فاز دوم پروژه (۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷) تعمیق شد و در نهایت با جزئی که بر ترویج انرژی‌های تجدیدپذیر به عنوان بخش اساسی از اقدامات در راستای کاهش اثرات تغییر اقلیم در چین و سراسر جهان تکمیل خواهد شد.

همکاری چین و آلمان در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر در تقویت گفتگوهای سیاسی با اداره ملی انرژی چین در ارتباط با پیشبرد سیاست‌های مرتبط با کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از طریق پیاده‌سازی انرژی‌های تجدیدپذیر و یکپارچه‌سازی سیستم نقش دارد. این پروژه با همکاری بازوی اجرایی خود مرکز انرژی‌های تجدیدپذیر چین، از توسعه چارچوب قانونی و تنظیمی جهت استقرار و بهره‌گیری کارآمد از انرژی‌های تجدیدپذیر در سطح ملی و محلی پشتیبانی می‌کند. این بخش از سیاست مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر با انتخاب شهرهای پایلوت قصد دارد سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در مصرف سوخت با کمک گرفتن از بینش بلندمدت خود برای نظام انرژی در آینده، یک رویکرد کل‌گرایانه در حوزه برنامه‌ریزی و یک برنامه اقدام که شامل اقدامات عملی و امکان‌پذیر برای اجرا و نظارت بر اقدامات می‌شود را افزایش دهد. به‌علاوه یک پلتفرم تحت وب گفتگو و اطلاعات به منظور تسهیل تبادل بهترین شیوه‌ها میان شهرهای جدید انرژی در چین، در بعد

داخلی و نیز با همتایان بین‌المللی به کار گرفته شده است. این پروژه به طور کلی به عنوان بستری برای یکپارچه ساختن همکاری‌های آلمان و چین در قالب یک چارچوب منسجم که هماهنگی و ارتقا هم‌افزایی در عرصه اجرایی را تسهیل کند ایفا نقش می‌کند. به‌علاوه این پروژه با هدف تقویت نقش چین در محافل برای تبادل چندجانبه طراحی شده است. تجارب به‌دست آمده در چارچوب همکاری‌های آلمان و چین شکل تازه‌ای به خود گرفته و به افراد صاحب نقش مرتبط انتقال می‌یابد. به‌علاوه، تجارب در مباحثات بین‌المللی گنجانده می‌شوند.

وضعیت کنونی در ارتباط با عرضه و تقاضای انرژی ارزیابی و سنجیده می‌شود. متعاقباً، توازن انرژی و انتشار برای هر یک از شهرهای یادشده ایجاد و در عین حال پتانسیل توسعه بهره‌وری انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر تجزیه و تحلیل شده است. پس از تشریح سناریوها در ارتباط با راه و روش‌های مختلف برای توسعه برنامه‌های اقدام سیستم‌های انرژی شهرها همراه با توصیه‌هایی برای سیاست‌ها، مقررات و پروژه‌ها پیش‌نویس اولیه تهیه می‌شود و در میان افراد صاحب نقش مرتبط به بحث گذاشته می‌شود. به عنوان مرحله نهایی، یک مفهوم یکپارچه انرژی شهری منطبق با وضعیت و شرایط شهرهای چین انتشار خواهد یافت.

ظرفیت‌سازی برای طرح‌های تجارت انتشار در چین

چین تعهدات جدید خود در زمینه کاهش گازهای گلخانه‌ای پیش از برگزاری مذاکرات اقلیمی ۲۰۱۵ پاریس منتشر کرد. این کشور به سقف سطح انتشار خود تا سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. به علاوه این کشور قصد دارد میزان انتشار خود را تا ۶۰ یا ۶۵ درصد در هر واحد از تولید ناخالص داخلی در طول دوره یاد شده کاهش دهد. چین پیشتر خود را ملزم کرده است که کاهش ۴۵-۴۰ درصدی شدت انتشار تا سال ۲۰۲۰ را برآورده کند. طرح تجارت انتشار به منظور دستیابی به این اهداف به شکل تدریجی معرفی و طرح می‌شوند.

چنین شرایطی چین را به نخستین اقتصاد نوظهور تبدیل می‌کند که طرح تجارت انتشار برای محدود کردن انتشار گازهای گلخانه‌ای را آغاز کرده است. فاز پایلوت این ابزار پیچیده بازاری از سال ۲۰۱۳ در شهرهای بیجینگ (پکن)، شانگهای، تیان ژین، چونگ چینگ و شنژن و نیز استان‌های گوانگ دونگ و هوئی اجرایی شده

است. این پروژه توصیه‌ها و آموزش‌هایی برای حمایت بیشتر از اجرایی شدن طرح تجارت انتشار در سطح این کشور ارائه می‌کند.

این پروژه با هدف تقویت ظرفیت افراد صاحب نقش کلیدی درگیر در طراحی و اجرایی کردن طرح‌های تجارت انتشار در سطح ملی و محلی انجام می‌گیرد. این طرح گزینه‌های سیاستی در ارتباط با آماده‌سازی، استقرار و عملیاتی ساختن طرح‌های تجارت انتشار برای نهادهای کلیدی و افراد ذی‌سهم و صاحب نقش درگیر در این پروژه ارائه می‌کند. به علاوه، این پروژه درصدد تقویت گفتگوها میان تصمیم‌گیرندگان و بخش خصوصی است و متمایل به مشارکت تمامی افراد ذی نفع در این طرح می‌باشد.

تحرك و رفت‌وآمد به وسیله خودروهای برقی و حفاظت از محیط‌زیست

یکی از اجزای مهم بخش اقتصادی چین صنعت خودروسازی است که سبب ایجاد اشتغال و شکل دادن به نوآوری در عرصه فناوری می‌شود. در حالی که این بخش نقش و تاثیر قابل ملاحظه‌ای در رشد اقتصادی بی‌سابقه چین در طول دهه‌های گذشته داشته است، نگرانی‌های روزافزون در حوزه محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی بر این رشد و توسعه سایه افکنده است. تاثیرات انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از سوختن سوخت‌های فسیلی از طریق موتورهای احتراق داخلی هرچند کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد ولی قابل ملاحظه و حائز اهمیت است. دولت چین در سطوح مختلف دست به اقداماتی برای افزایش بهره‌وری و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در بخش حمل‌ونقل زده است. در این ارتباط چین به دلایل مرتبط با سیاست‌های صنعتی در مسیر تحرك و رفت‌وآمد از طریق خودروهای برقی گام برمی‌دارد. تحرك به وسیله خودروهای برقی در شرایطی که با تولید برق از طریق منابع انرژی تجدیدپذیر ترکیب شود روش قابل دسترس برای مشارکت در تحرك شهری پایدار ارائه می‌کند؛ هرچند کماکان هیچ استراتژی متناظر و کاملاً توسعه یافته‌ای در هیچ‌جای جهان وجود ندارد. چین و آلمان به یک توافق همکاری دوجانبه دست یافته‌اند که مطابق با آن هدف پروژه مرتبط با آن کشف ظرفیت‌های تحرك از طریق خودروها و وسایل برقی و نقش آن در کاهش اثرات تغییر اقلیم و بهبود شرایط حفاظت از محیط‌زیست تعریف شده است.

هدف پروژه حاصل از همکاری آلمان و چین، فراهم کردن پیشینه و سوابق فنی و مفهومی و استراتژی‌های مرتبط در راستای بهره‌گیری از ظرفیت تحرک و رفت‌وآمد برقی برای پیشبرد هدف کاهش اثرات تغییر اقلیم و حفاظت از محیط‌زیست در چین است. بدین منظور، مسیرهای توسعه در جایگاه خود حضور دارند تا امکان انتشار یافتن فناوری تا حد ممکن را فراهم کنند.

با همکاری دانشگاه شینهو، طرح ارزیابی تاثیرات اقلیمی و زیست‌محیطی تحرک با خودروهای برقی در چین تا سال ۲۰۳۰ انجام گرفت. در این ارزیابی افراد درگیر کاهش اتکا بر ایستگاه‌های زغال سنگ برای تولید برق و توسعه و گسترش فناوری باتری وسایل نقلیه برقی را پیشنهاد کردند. این مطالعه بیانگر آن است که بدون افزایش نفوذ فناوری پیشرانس جایگزین در بازار سهم بخش حمل‌ونقل جاده‌ای در انتشار گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۳۰ به ۷۹۴ میلیون تن کربن خواهد رسید. میزان کاهش درصدی در ارتباط با انتشار دی اکسید کربن مرتبط با این حوزه در سناریوی معمول بین ۵ تا ۶ درصد است. عمده تاثیرات کاهش انتشار کربن از سال ۲۰۲۰ به بعد تحقق می‌یابد. فناوری‌های نوین در دنیای خودروها می‌تواند سبب صرفه جویی ۴۰ و ۴۶ میلیون تن دی اکسید کربن تا سال ۲۰۳۰ شود.

در سال ۲۰۱۱، بخش حمل‌ونقل چین حدوداً ۶۲۸ میلیون متر مکعب کربن معادل $7/8$ از کل میزان انتشار در حوزه انرژی، کربن تولید می‌کند. چین تعهد کرده است که شدت انتشار کربن خود را بین ۴۰ تا ۴۵ درصد تا سال ۲۰۲۰ نسبت به سطح انتشار در سال ۲۰۰۵ کاهش دهد. چین در برنامه توسعه پنج ساله دوازدهم خود کاهش شدت کربن تا ۱۷ درصد تا سال ۲۰۱۵ را هدف فوری تعیین کرده است. به منظور مقابله با تاثیرات منفی تقاضای روزافزون تحرک افراد در شهرها، شبکه‌های حمل‌ونقل مسافرتی عمومی به طرز قابل توجهی گسترش یافته است و مقررات محدودکننده (به‌عنوان مثال ممنوعیت رانندگی و محدودیت‌های اخذ مجوز) مطرح شده است. پایلوت اولیه سازوکارهای تنظیم مالی از جمله هزینه پارکینگ و ازدحام ترافیک در حال حاضر انجام شده است. در بخش حمل‌ونقل کرایه‌ای کاهش انتشار کربن عمدتاً از طریق همکاری میان کارگزاران اصلی در راستای افزایش بهره‌گیری از ظرفیت و از طریق بهینه‌سازی مسیریابی تحقق می‌یابد. جایگزین کردن و ارتقا

بخشیدن به فناوری‌های صنعت خودرو و بهینه‌سازی مدیریت ناوگان خودرویی و روش‌های تشویقی می‌تواند نقش مهمی در تحقق بهره‌وری بیشتر ایفا کند.

گفتگوهای راهبردی در حوزه محیط‌زیست

آلمان و چین از لحاظ اقتصادی پیوند تنگاتنگی با هم دارند. درحالی‌که چین مهم‌ترین شریک اقتصادی آلمان در قاره آسیا است، این کشور عمیق‌ترین رابطه تجاری را با آلمان در اروپا دارد. این دو کشور از سال ۲۰۰۳ نشست‌های منظم گفتگو در ارتباط با وضعیت چارچوب سیاست‌گذاری زیست‌محیطی، سازوکارها و فناوری‌های اجرایی برگزار کرده‌اند.

رویکرد غالب در این گفتگوها رویکرد مبتنی بر تبادل مداوم در بالاترین سطح و سیاست‌محورانه با حضور صاحب‌نظران و سایر افراد ذی‌نفع کلیدی است که از شناسایی موضوعات مشترک پشتیبانی و اجماع بر سر چالش‌ها و راهبردهای راه‌حل مشترک را تقویت می‌کند.

آلمان از ابتکارهای زیست‌محیطی چین از طریق طرح‌های مختلف و از طریق گفتگوهای سیاسی منظم حمایت می‌کند. پس از کنفرانس مشترک نخست که در سال ۲۰۰۰ در پکن برگزار شد و هدف از آن تبادل دیدگاه‌ها در زمینه حفاظت از محیط‌زیست بود، گفتگوها میان این دو کشور به شکل مداوم از طریق نشست‌های زیست‌محیطی دوجانبه که به طور منظم در توالی‌های منظم اتفاق می‌افتد تشدید و تقویت شده است. این نشست‌ها با حضور نمایندگان عالی‌رتبه در عرصه سیاست، علم و کسب‌وکار از چین و آلمان شکل گرفته است.

هدف از برگزاری نشست‌ها مشارکت در فرآیندها و انجام اصلاحات به سوی مسیر توسعه اقتصادی پایدار و حمایت از انتقال فناوری است. تبادل نظر پیرامون موضوعاتی مثل ابزارهای بازاری و تنظیمی و فناوری زیست‌محیطی برای تحقق موثر و کارآمد اهداف زیست‌محیطی می‌تواند به شکل قابل‌ملاحظه‌ای در شکل‌گیری سیاست زیست‌محیطی کارآمدتر نقش ایفا کند. فراتر از آن، گفتگوها سبب ترغیب فهم متقابل در فرآیندهای چندجانبه‌ای خواهند شد.

طرح اصلاح یارانه بخش انرژی

یارانه‌های انرژی نشان داده‌اند که بار اضافی بر منابع اغلب کشورها هستند. یارانه‌های انرژی علاوه بر ایجاد فشارهای مالی ناپایدار ممکن است ناکارآمد باشند. این یارانه‌ها ممکن است به مصرف بیش از حد سوخت‌های فسیلی و کاهش انگیزه برای به‌کارگیری منابع تجدیدپذیر و بهبود عملکرد در حوزه انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلودگی هوا منجر شوند. با وجود اینکه تاثیرات منفی یارانه‌های انرژی اغلب شناخته شده هستند، تلاش برای کاستن یا حذف یارانه‌ها همواره چالش برانگیز بوده است و در موارد بسیاری به ناآرامی‌های اجتماعی و ناهماهنگی‌های سیاستی منجر شده است.

این طرح با برقراری همکاری‌های نزدیک با افراد و گروه‌های صاحب نقش اصلی از قبیل وزارت‌خانه‌های دولتی، اندیشکده‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی به کشورها امکان تامین مالی جهت تعامل فنی همه‌جانبه و جامع در ارتباط با مسائل مربوط به اصلاحات یارانه انرژی را به وجود می‌آورد. از جمله این مسائل مرتبط می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- تحلیل جنبه‌های اجتماعی، مالیاتی، اقتصاد کلان، اقتصاد سیاسی و ابعاد مرتبط با فقر و نیز تغییر اقلیم سیاست اصلاح یارانه
- ارزیابی تاثیرات توزیعی یارانه‌ها در سطح خانوارها و اقتصاد کلان
- حمایت از گفتگوها و مشورت‌ها در ارتباط با سیاست‌گذاری و نیز پشتیبانی از راهبردهای ارتباطی و اجماع‌سازی
- حمایت از بهبود هدف‌گذاری و ارائه یارانه‌ها از جمله رویکردهای ارتقایافته در حوزه فناوری
- طراحی و اجرا رویکردهای اصلاح یارانه، چارچوب قیمت‌گذاری انرژی، طرح‌های انتقال، راه‌حل‌های بهره‌وری انرژی و انرژی تجدیدپذیر و سازوکارهای حمایت اجتماعی مناسب و سایر سازوکارهای کاهش اثرات تغییر اقلیم

ارتقا و بهبود توسعه کم کربن از طریق اقتصاد سبز

برنامه پنجم ساله دوازدهم و سیزدهم چین اهداف متعددی در حوزه اقلیم را دربرمی‌گیرد. به‌علاوه چین پیگیر و نماینده مفهوم «تمدن اکولوژیکی» است. این اصطلاح یک راهبرد توسعه که پایداری را هدف قرار داده است و جامعه‌ای را ایجاد می‌کند که زیست‌هماهنگ و هارمونیک و نیز توازن منافع افراد، صنایع و طبیعت در چارچوب حدود و ثغور جهانی وجود دارد توصیف می‌کند. چین در میان کشورهای برزیل، روسیه، هند و آفریقای جنوبی-اعضای سازمان بریکس- به دلیل اندازه و دینامیسم اقتصادی این کشور یک شریک مهم در حوزه همکاری‌ها محسوب می‌شود. به‌علاوه این کشور پیگیر رهیافت خویش در حوزه اقتصاد سبز است.

ظرفیت علمی و اجرایی رویکردها و ابزارها جهت تقویت اقتصاد سبز در پیوند با توسعه کم کربن در سطح بین‌المللی و در برخی از کشورهای شریک و همراه بهبود و ارتقا یافته است. در پروژه موسوم به شراکت برای اقدام در زمینه اقتصاد سبز، هدف ارتقای ظرفیت و دانش مرتبط با رویکردها و ابزارهای اقتصاد سبز در پیوند با توسعه کم کربن در سطح بین‌المللی و در برخی از کشورهای شریک و همراه است. این پروژه پیشنهاد می‌کند اجرای اقدامات مرتبط با اقتصاد سبز در بستر برنامه‌های ملی توسعه با کربن کم صورت گیرد.

این پروژه در چین متکی به اقدامات پیشین از جانب برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد است و با همکاری و مشارکت موجود از طرف وزارت حفاظت از محیط‌زیست چین، مرکز تحقیقات سیاست‌گذاری اقتصاد و محیط‌زیست و کمیسیون ملی توسعه و اصلاح این کشور صورت می‌گیرد.

با مدیریت و راهبری آکادمی برنامه‌ریزی زیست‌محیطی چین، «چارچوب آماری بخش خدمات و کالاهای زیست‌محیطی» به صورت پایلوت راه اندازی و در بخش صنایع زیست‌محیطی شهر ووهان این کشور به کار گرفته شد. این پروژه درک و فهم از صنایع زیست‌محیطی و به تصمیم‌گیرندگان وزارت محیط‌زیست و مراجع آماری پیشنهاداتی برای فرآیند گردآوری اطلاعات و ارزیابی بخش کالاها و خدمات زیست‌محیطی ارائه می‌کند.

در نهایت باید گفت این طرح در آشکار ساختن راه‌هایی که از طریق آنها چین خواهد توانست صنایع زیست‌محیطی خود را در راستای به حداکثر رسانده کارآیی منابع ارزیابی و مدل‌سازی کند و رشد اقتصادی کشور را با گذار به سوی اقتصاد کم کربن و سبز تقویت کند نقش خواهد داشت.

منبع:

Climate Protection in China Sino-German Cooperation as Part of the Inertional Climate Initiative

محمدامین کاظم‌لو

توافق سازمان جهانی حیات وحش، بوتان بر سر تامين دائم امنيت شبکه گسترده مناطق حفاظت شده

حکومت سلطنتی بوتان، سازمان جهانی حیات وحش، اعانه‌گران و همکاران از اقصی نقاط دنیا تعهد خود برای تامین بودجه ۴۳ میلیون دلاری-اولین نمونه از نوع خود در آسیا- جهت حفاظت دائم از شبکه مناطق حفاظت شده بوتان را اعلام کردند.

این بودجه با ۷۵ میلیون دلار دولت بوتان در یک دوره ۱۴ ساله به منظور حمایت از برنامه جدید موسوم به بوتان برای زندگی، ترکیب خواهد شد. این برنامه که تا حدودی از طریق یک کمک مالی ۲۶/۶ میلیون دلاری از صندوق اقلیم سبز تامین می‌شود، ضامن این مسئله خواهد بود که همواره بودجه برای مدیریت صحیح و مناسب مناطق حفاظت شده بوتان که ۵۱ درصد از خاک این کشور، بیشترین میزان درصد از خاک یک کشور که در محدوده آسیا به عنوان منطقه حفاظت شده انتخاب شده را تشکیل می‌دهد، وجود دارد.

مدیریت صحیح مناطق حفاظت شده به معنای آن است که شبکه ۲ میلیون هکتاری جنگل‌ها و رودخانه‌ها در مقابل شکار یا صید غیرقانونی، قطع غیرقانونی درختان و سایر تهدیدها حفاظت خواهد شد. جنگل‌ها امکان جذب کربن را خواهند داشت بنابراین بوتان می‌تواند کماکان تعهد خود را مبنی بر عاری از کربن بودن حفظ کند. رودخانه‌های بوتان به عنوان بخشی از شبکه رودهایی که آب یک پنجم جهان را تامین می‌کند، پاک خواهند بود. منابع طبیعی این کشور از پویایی بخش عمده‌ای از مردمان روستایی بوتان حمایت خواهد کرد و به مردم امکان می‌دهد مقاومت و انعطاف بیشتری در مقابل تاثیرات تغییر اقلیم داشته باشند.

داشو تشرینگ توبگای نخست وزیر بوتان گفته است: «این شبکه مناطق حفاظت شده و کریدورهای حیات وحش است که پیوند و ارتباط را به وجود می‌آورد و این که می‌توان بخش عمده‌ای از منابع طبیعی ذی‌قیمت کشور بوتان را پیدا کرد». هرچند این منابع طبیعی در معرض ریسک هستند زیرا کشور به سرعت در حال تغییر و تحول است. بوتان به‌منظور توجه به تهدیدات فزاینده به طبیعت دست نخورده‌اش می‌بایست یک برنامه تجاری جدید و قدرتمند و سازگار با [حفظ] طبیعت داشته باشد.

منبع:

http://wwf.panda.org/wwf_news/?316191/Bhutan-WWF-and-partners-announce-deal-to-permanently-secure-Bhutans-extensive-network-of-protected-

محمدامين كاظم لو



سیاست اجتماعی و فرهنگی



تأثیر سیاست‌های خانواده بر فرصت‌های زنان در کشورهای غربی^۱

این سوال همچنان در مباحث مربوط به تأثیرات دولت‌های رفاهی وجود دارد که آیا سیاست‌گذاری عمومی می‌تواند نابرابری‌های جنسیتی را به نفع زنان کاهش دهد یا اینکه منجر به بروز تناقضات در دولت رفاه می‌شود به این معنا که افزایش اشتغال زنان منجر به ایجاد هزینه به خصوص برای زنان با تحصیلات عالی می‌شود (بازآرایی نابرابری میان شهروندان)؟ هدف این مقاله شناسایی اثرات انواع مختلف سیاست‌های خانواده بر فرصت‌ها در میان زنانی می‌باشد که موقعیت‌های مختلفی را در ساختارهای طبقاتی اجتماعی اقتصادی در کشورهای غربی اشغال کرده‌اند.

در ارزیابی تأثیرات سیاست خانواده بر نابرابری‌های مربوط به طبقه و جنسیت، ماهیت دوجانبه پیامدهای جنسیتی که شامل دستاوردهای اقتصادی و نابرابری در قابلیت و توانایی‌ها می‌شود را مد نظر قرار داده‌ایم. در جوامع غربی نابرابری به طور سنتی به عنوان دستاوردهای فردی یا خانوادگی با توجه به میزان درآمد و استانداردهای مادی زندگی تعریف شده است. نابرابری‌های جنسیتی شامل قابلیت و توانایی‌ها نیز می‌شود. توانایی‌های فردی نشان‌دهنده آزادی فرد در انتخاب کردن از میان شیوه‌های زندگی جایگزین می‌باشد. در کشورهای غربی نیروی کار بودن، فاکتور مهمی در تمایزگذاری زنان به لحاظ قابلیت و توانایی‌ها می‌باشد. در مقایسه با زنان خانه‌دار، زنان شاغل قادر به کسب دستاوردهای بیشتری هستند و توانایی‌های بهتری برای اداره زندگی خود دارند.

در تعریف مجموعه‌های سیاست خانواده می‌توان گفت که آنها ترکیبی از مجموعه برنامه‌های قانونی جداگانه می‌باشند که از لحاظ اثرگذاری بر انتخاب زنان میان شاغل بودن و خانه‌دار بودن با یکدیگر تفاوت دارند. با این تعریف می‌توانیم تأثیرات سیاست را از لحاظ جهت و شدت مورد بررسی قرار دهیم. فرضیه ما این است که

^۱ کشورهای مورد بررسی در این مقاله عبارتند از: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، هلند، نیوزیلند، نروژ، سوئد، سوئیس، انگلیس و آمریکا.

به میزان زیادی ساختارهای چند بعدی و پیامدهای نابرابری سیاست‌های خانواده منعکس کننده فشارها از جانب نیروهای سیاسی با اهداف و ارزش‌های نسبتاً متفاوت می‌باشد.

مندل و سمیونو^۱ اشاره می‌کنند که در دولت‌های رفاهی بسیار پیشرفته "سقف شیشه‌ای" کوتاه‌تر و پهن‌تر شده است که منجر به دسترسی کمتر زنان به مواضع قدرت و پاداش‌های اقتصادی بیشتر می‌شود. حتی زمانی که دولت‌ها اشتغال زنان را تسهیل می‌کنند اقدامات آنان دستاوردهای اقتصادی و شغلی آنان را افزایش نمی‌دهد زیرا هیچ کدام از این اقدامات به طور جدی توزیع سنتی مسئولیت‌های بازار-خانواده، زنان و مردان را به چالش نمی‌کشد. آنها معتقدند مجموعه‌های سیاست خانواده که منجر به استخدام زنان در بخش‌های دولتی بزرگ می‌شود بیشتر در جهت افزایش شکاف درآمدی میان زنان و مردان هستند تا کاهش آن، زیرا ماهیت این مشاغل و شرایط کار مناسب در بخش عمومی فرصت‌های اقتصادی زنان را به لحاظ موقعیت درآمدی و شغلی افزایش نمی‌دهد و در عوض، تمایل زنان به سازش در مورد شرایط کار مناسب در شغل‌های زنانه را تقویت می‌کند و مانعی برای دستیابی آنان به موقعیت‌های درآمدی بالا می‌شود. همچنین آنان اشاره می‌کنند که تجربه سیاست‌های خانواده برابری طلب در اسکاندیناوی نشان می‌دهد که "مراقبت عمومی به تراکم زنان در مشاغل خدماتی زنانه و کاهش حضور آنان در مشاغل مردانه با دستمزد بهتر کمک می‌کند". زمانی که تأثیرات سیاست خانواده را بررسی می‌کنیم مهم است تا میان حق مطالبه^۲ و حق آزادی^۳، میان "آزادی برای" و "آزادی از" تمایز قایل شویم. حق مطالبه، حمایت مالی از جانب مقامات دولتی در قالب پول یا خدمات تسهیل کننده برابری جنسیتی را برای شهروندان تضمین می‌کند. آزادی‌ها، قوانین و اعمال تبعیض آمیز را حذف می‌کنند. حق آزادی و حق مطالبه مرتبط با برابری جنسیتی اغلب در کنار یکدیگر توسعه یافته‌اند. حق مطالبه با هدف افزایش برابری جنسیتی را به سه بعد خاص سیاستی تقسیم کرده که در پیامدشان بر انتخاب زنان میان کار بادستمزد و بدون دستمزد با یکدیگر متفاوت هستند: سیاست‌های خانواده سنتی، سیاست‌های درآمدی زوجین و سیاست‌های مراقبتی زوجین. تا اواسط دهه ۱۹۶۰ کشورهای مورد بررسی ما تفاوت‌های نسبتاً کمی در زمینه سیاست خانواده با یکدیگر داشتند اما از اوایل دهه ۱۹۷۰ تفاوت‌های زیادی در این زمینه به وجود آمد و ابعاد سیاستی مختلفی

^۱ Mandel&Semyonov

^۲ یا حق ادعا

^۳ یا حق امتیاز

نیز ظهور پیدا کردند. در کشورهای نوردیک شاهد ظهور تدریجی بعد درآمدی زوجین بودیم که شامل سیاست‌هایی جهت تقویت توانایی‌های زنان به خصوص مادران برای مشارکت بیشتر در بازار کار از طریق انتقال بخش‌های زیادی از خدمات مراقبتی از خانه به بخش دولتی بود. همچنین این کشورها به طور فزاینده‌ای سیاست‌هایی را برای تشویق پدران جهت مشارکت بیشتر در مراقبت از کودک خردسال خود معرفی کردند که این امر بعد سیاست، مراقبتی زوجین می‌باشد. در اروپای قاره‌ای، سیاست‌های خانواده سنتی از طریق حق مطالبه توسعه پیدا کرد که در آن از کار بدون دستمزد زنان در خانه حمایت می‌شد با این فرض که زنان مسئولیت اصلی مراقبت در خانه را بر عهده دارند و ورود به کار با دستمزد درآمد ثانویه محسوب می‌شد. کشورهای انگلیسی زبان تنها شاهد توسعه محدودی در زمینه حق مطالبه بودند، در عوض آزادی‌های زنان از طریق برداشتن موانعی که منجر به تفکیک جنسیتی می‌شد گسترش پیدا کرد. در آمریکا این گونه فعالیت‌ها با ساختارهای قانونی توسعه یافته در مبارزات حقوق مدنی که در تلاش برای تحقق فرصت‌های برابر هستند ترکیب شده‌اند.

بعد خانواده سنتی بر میانگین وزنی ۴ شاخص سیاستی پایه گذاری شده است:

۱. کمک هزینه کودک برای کودکان خردسال که به صورت پول نقد یا از طریق سیستم مالیاتی پرداخت می‌شود.
۲. خدمات مهد کودک دولتی پاره وقت برای کودکان (از ۳ ساله تا سن مدرسه)
۳. اعطا کمک هزینه مراقبت در منزل به والدین جهت مراقبت از کودکان زیر سن مدرسه
۴. اعطا یارانه ازدواج از طریق مزایای مالیاتی برای سرپرست خانوار که همسر غیرفعال به لحاظ اقتصادی دارد.

بعد درآمدی زوجین میانگین غیروزنی ۳ شاخص سیاستی می‌باشد:

۱. خدمات مهد کودک دولتی برای کودکان خردسال (۰ تا ۲ ساله)
۲. خدمات مهد کودک دولتی تمام وقت برای کودکان بالای ۳ سال.
۳. بیمه درآمد والدین مربوطه.

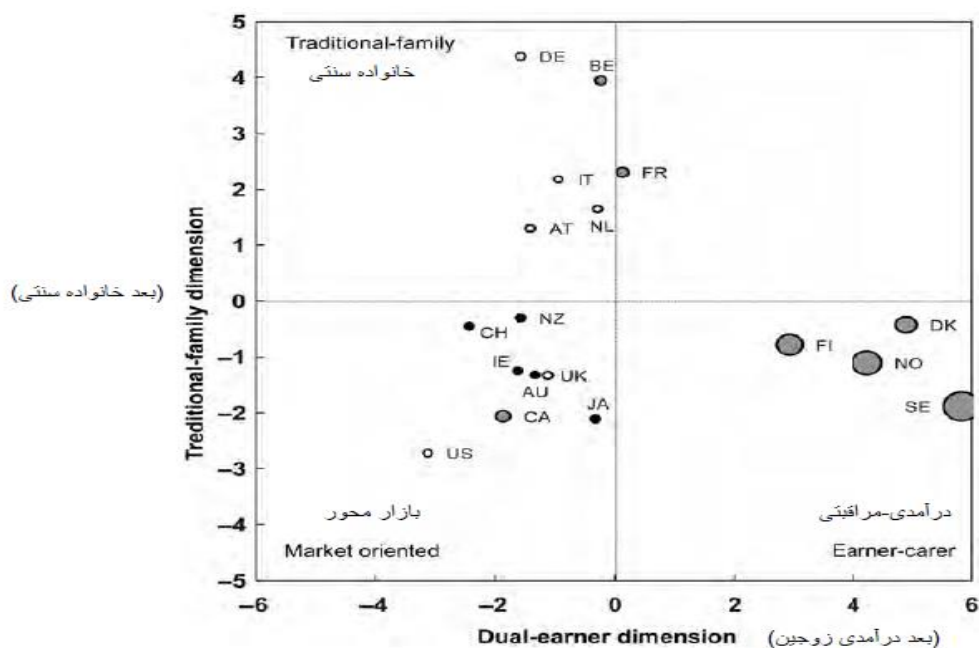
این بعد نشان دهنده این است که تا چه حد سیاست‌گذاری‌های عمومی انتقال مراقبت کودک را از خانواده به بخش دولتی و حفظ تعهد شغلی مستمر برای مادران را امکان‌پذیر می‌سازند.

بعد مراقبتی زوجین به سیاست‌هایی اشاره می‌کند که پدران را تشویق می‌کنند تا مشارکت بیشتری در مراقبت از کودکان خردسال خود داشته باشند.

دو شاخص سیاستی که بر مبنای درآمد مرتبط با والدین و بیمه والدین ایجاد شده است:

۱. هفته‌های مرخصی با حقوق که می‌تواند توسط مادر، پدر یا هر دو مورد استفاده قرار بگیرد.

۲. هفته‌های مرخصی با حقوق که برای پدران رزرو می‌ماند.



موضوع اصلی در توسعه سیاست‌های خانواده این بوده است که آیا مراقبت اجتماعی باید به عنوان کار بدون دستمزد در خانه یا کار با دستمزد در بخش دولتی یا بخش خصوصی مورد حمایت قرار بگیرد یا خیر. سیاست‌گذاری در این بخش بسیار تحت تاثیر قدرت طولانی مدت احزاب سیاسی و نقش هنجاری کلیساها می‌باشد.

سیاست‌های خانواده در سه گروه از کشورهای مذکور به طور عمده بازتاب این موارد هستند:

احزاب کاتولیک مخالف سیاست‌هایی بودند که منجر به افزایش کار با دستمزد زنان می‌شد، احزاب راست سکولار از گسترش حق مطالبه برای تسهیل پیشرفت زنان جلوگیری کردند، احزاب چپ از سیاست‌های خانواده حمایت می‌کردند که منجر به گسترش حق مطالبه برای شهروندان در انتقال مراقبت اجتماعی به عنوان کار با دستمزد به بخش دولتی می‌شود.

تحقیقات بر روی نابرابری‌های جنسیتی در طول چندین دهه گذشته پیشرفت زیادی داشته است. بخش کلیدی توسعه در سال‌های گذشته نقش طبقه اجتماعی-اقتصادی در شرطی سازی تاثیرات سیاست‌های خانواده و دیگر سیاست‌ها بر روی نابرابری جنسیتی می‌باشد. در اکثر کشورهای ذکر شده زنان با تحصیلات دانشگاهی صرف نظر از سیاست‌های خانواده دارای نرخ مشارکت بالای نیروی کار می‌باشند: به احتمال زیاد قابلیت فردی است که زنان را قادر می‌سازد تا کار با دستمزد را انتخاب کنند. تاثیر عمده سیاست‌های خانواده در میان زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی مشهودتر می‌باشد. سیاست‌های درآمدی-مراقبتی مجموعه سیاستی است که نسبت به کشورهای با سیاست خانواده سنتی، گرایش به نابرابری جنسیتی کمتری دارد و همچنین نسبت به سیاست‌های بازارمحور اولیه، در زمینه استخدام زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی به آنان کمک بیشتری می‌کند. کشورهای دارای سیاست درآمدی-مراقبتی، سهم قابل توجهی از زنان با سطح پایین یا متوسط از تحصیلات رسمی را استخدام می‌کنند بدون اینکه منجر به کاهش چشمگیری در دستیابی زنان به درآمدهای بالا و مواضع قدرت شود. داده‌های جدید نشانگر این است که دستیابی زنان به سمت هیات مدیره شرکت‌های بزرگ در کشورهای با سیاست درآمدی-مراقبتی در حال پیشرفت می‌باشد که این امر بیشتر به دلیل وابستگی سیاسی سیاست‌های خانواده و سهمیه سیاسی اجباری است تا اینکه به خاطر خود سیاست‌های خانواده باشد. از آنجایی که زنان در تمامی کشورها در کار خود بیشتر از مردان وقفه می‌اندازند با خطراتی از قبیل تبعیض آماری استخدام از جانب کارفرمایان و مشکلات انباشت سرمایه انسانی مواجه می‌شوند که مانع پیشرفت شغلی آنان است. سیاست‌های خانواده درآمدی-مراقبتی دارای پتانسیل لازم جهت کاهش چنین تبعیضاتی می‌باشد. این سیاست‌ها به طور میانگین، در دسترس و مقرون به صرفه‌تر هستند و تداوم و کیفیت بالاتری دارند و به نظر می‌رسد ارائه خدمات مراقبتی در زمینه حمایت از مادران شاغل از طرف بخش عمومی تاثیرگذاری بیشتری نسبت به ارائه آن از طرف بخش خصوصی دارد. برنامه‌های طراحی شده جهت مرخصی والدین باعث ارتقا انگیزه زنان برای ورود و

ماندن در نیروی کار می‌شود. در اکثر کشورها با سیاست‌های خانواده‌بازارمحور یا خانواده سنتی مسائلی از قبیل کار پاره وقت کوتاه مدت، وقفه‌های طولانی مدت به دلیل زایمان و مشکل پیدا کردن مهد کودک وجود دارد. در چشم‌انداز بلند مدت در مورد نابرابری‌ها مشاهده کردیم که از اواسط قرن ۱۹، نابرابری‌های جنسیتی در کنار نابرابری‌های طبقاتی کاهش پیدا کردند. بعد از دهه ۱۹۷۰ نابرابری جنسیتی و طبقاتی هر کدام به نوعی تغییر پیدا کردند. نابرابری طبقاتی، بخصوص گسترش تفاوت‌های درآمدی به شدت افزایش یافتند و کاهش نابرابری‌های جنسیتی تسریع پیدا کرد. اما باور داریم که سیاست‌های درآمدی-مراقبتی که در کشورهای نوردیک توسعه پیدا کرده است به وعده خود جهت ترویج همزمان برابری جنسیتی و برابری طبقاتی عمل خواهند کرد.

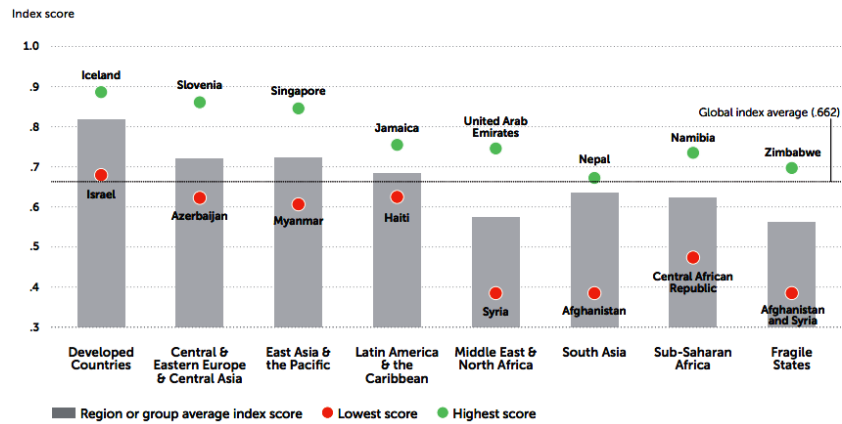
منبع:

"Women's Opportunities under Different Family Policy Constellations: Gender, Class, and Inequality Tradeoffs in Western Countries Re-examined", Korpi, Walter; Ferrarini, Tommy; Englund; Social Politics, Vol 20, No 1, 2013.

پریسا ابن یامینی

شاخص‌های اندازه‌گیری امنیت زنان

در جهان سازمان‌های زیادی، از مجمع جهانی اقتصاد گرفته تا سازمان ملل متحد، نحوه عملکرد کشورهای مختلف در زمینه ایجاد برابری برای زنان و دختران را نشان می‌دهند. شاخص‌های قبلی تا حد زیادی محدود به توسعه، مشارکت، اشتغال و حضور زنان در پارلمان می‌باشد. این اندازه‌گیری‌ها ممکن است گویای میزان مشارکت زنان به لحاظ اقتصادی باشد اما در مورد امنیت زن در جامعه چیزی بیان نمی‌کنند. هر چند که تمامی این شاخص‌ها مهم می‌باشند اما احساس ما این بود که اگر اجتماع و جامعه برای دختران و زنان امن نباشد پس این شاخص‌ها ناقص هستند. بنابراین دانشگاه جرج تاون و موسسه تحقیقاتی صلح اسلو شاخص جدیدی را به نام شاخص صلح و امنیت زنان ایجاد کردند. اولین شاخصی است که شامل رتبه بندی میان ۱۵۳ کشور می‌باشد که ۹۸٪ از جمعیت جهان را پوشش می‌دهد و مبتنی است بر میزان پیشرفت در زمینه مشارکت، عدالت و امنیت زنان. شاخص مشارکت، توانایی زنان در گرفتن تصمیمات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد و از طریق شاخص‌هایی از قبیل اشتغال، دسترسی به تلفن همراه و کرسی‌های پارلمان اندازه‌گیری می‌شود. شاخص عدالت اشاره به قوانین رسمی و تبعیض غیررسمی در زندگی روزانه دارد و شاخص امنیت، امنیت فردی در درون خانواده و همینطور کل جامعه را پوشش می‌دهد. ابتکار اصلی ما استفاده از سوالات نظر سنجی جهانی گالوپ بود به عنوان مثال سوالاتی که برای اندازه‌گیری امنیت اجتماع و نرم‌های تبعیضی استفاده کردیم به ترتیب عبارتند از: آیا شب‌ها هنگام قدم زدن در محله خود احساس امنیت می‌کنید؟ به نظر شما کار کردن زنان بیرون از خانه قابل قبول است؟ نتایج رتبه بندی نشان می‌دهد که کشور ایسلند در صدر قرار دارد و نروژ و سوئیس به ترتیب در مرتبه دوم و سوم و افغانستان در آخرین رتبه قرار دارد. انتظار نداریم که تمامی کشورها در جهان به خوبی نروژ یا ایسلند عمل کنند مثلاً نپال در جنوب آسیا یا نامیبیا در جنوب آفریقا تا حدودی خوب عمل می‌کنند. کشورهایی که عملکرد ضعیفی دارند کافی است تا به کشورهای همسایه خود نگاه کنند زیرا مقایسه کردن خود با کشورهای همسایه در نشان دادن امکان بهبود بسیار مهم‌تر است تا مقایسه کردن خود با کشورهایی چون ایسلند.



بخش‌های کلیدی که همچنان در آن کمبود داریم عبارتند از بحث خشونت شریک زندگی، که در اینجا به جای نرخ جاری خشونت از نرخ طول عمر استفاده کردیم به دلیل اینکه کشورها به اندازه کافی به طور منظم در این زمینه به جمع‌آوری داده نمی‌پردازند و همچنین اندازه‌گیری خشونت سازمان یافته به طور کلی که اندازه‌گیری مرگ ناشی از خشونت در کشور می‌باشد.

منبع:

www.newsdeeply.com/womenandgirls/community/2017/11/30/new-index-measures-how-safe-not-just-how-economically-equal-women-are

پریسا ابن یامینی



سیاست بهداشت و سلامت



سیاست‌های ملی سلامت روانی در هندوستان – مسیرهای جدید، امیدهای جدید

دولت هندوستان به خصوص وزارت سلامت و رفاه خانواده، سند چشم‌اندازی را با عنوان سیاست ملی سلامت روان برای هندوستان مسیرهای جدید، امیدهای جدید را منتشر کرده است. و هدف آن به طور کلی عبارتند از: ارتقا سلامت، جلوگیری از بیماری‌های روانی، بازپروری و بهبود بیماری‌های روانی، از بین بردن بدنام سازی و جدایی‌زدایی، تضمین فراگیری اقتصادی و اجتماعی برای تمام افراد که مبتلا به بیماری‌های روانی هستند، تامین دسترسی، مقرون به صرفه بودن و کیفیت سلامت و خدمات درمانی برای تمامی اشخاص از طریق افزایش طول عمر و بر اساس چارچوب مناسب.

ارزش‌ها و اصول در نظر گرفته شده در این سند عبارتند از: برابری، عدالت، خدمات درمانی یکپارچه، خدمات درمانی مبتنی بر شواهد، کیفیت، مشارکت بر اساس رویکرد مناسب، حکمرانی و خدمات رسانی موثر، برنامه‌های آموزشی بر مبنای ارزش و داشتن رویکرد یکپارچه در سلامت درمانی.

ارزش‌ها و اصول:

اصول بنیادین و ارزش‌هایی که بیانگر صفات و ویژگی‌های اصلی این سیاست هستند عبارتند از:

برابری:

- خدمات سلامت روانی باید تمامی اقوام و گروه‌ها را در تمامی مناطق به خصوص مناطق روستایی را در نظر بگیرد.
- در نظر گرفتن سهم برابر در بودجه‌ی ملی سلامت که مطابق با بار مشکلات سلامت روانی و بیماری‌های روحی باشد.

-
- عدم تبعیض و فراهم ساختن فرصت‌های برابر در آموزش، استخدام، مسکن و رفاه اجتماعی که باید فراگیر باشد و شامل همه شهروندانی که دچار مشکلات سلامت روانی و بیماری‌های روانی هستند، شود.

عدالت:

- افرادی که در جامعه آسیب‌پذیر هستند و به حاشیه رانده شده‌اند باید مورد توجه خاص قرار گیرند.

خدمات درمانی یکپارچه:

- خدمات سلامت روانی باید در درون سیستم سلامت درمانی موجود و با استفاده از رویکرد اولیه سلامت انجام شود.

- برخی از بیماری‌های روانی ماهیتی مزمن دارند. بیشتر اشخاص از بیماری‌های مزمن رنج می‌برند، نیاز به شرایط درمانی میان مدت و بلند و در برخی موارد مادام‌العمر دارند که باید این امر در نظر گرفته شود.

- خدمات درمانی باید به شکل جامعی طراحی شوند که نیازهای فرد در زمینه‌ی بیماری روانی و تامین کننده‌ی خدمات درمانی و افراد حرفه‌ای در خدمات درمانی را در نظر بگیرد.

خدمات درمانی مبتنی بر شواهد:

- مداخلات مبتنی بر شواهد باید بر اساس تصمیم‌گیری و سازکارهای خدماتی باشد.
- تصمیم‌گیری باید بر اساس شواهد مختلف مانند یافته‌های تحقیق، شواهد مبتنی بر اقدام و بازخورد مشتریان باشد.

مشارکت و بر اساس رویکرد حقوق:

- کاربران و ارائه‌دهندگان خدمات هر دو باید در برنامه‌ریزی، توسعه، خدمات رسانی، نظارت و ارزیابی خدمات سلامت روانی لحاظ شوند. حقوق بشر و کرامت انسانی افراد مبتلا به مشکلات سلامت روانی باید محترم شمرده و حمایت شوند.

حکمرانی و خدمات رسانی موثر:

- اتحادیه‌ها و دولت‌های محلی، دارای نقش اصلی در اقدامات مربوط به ترویج سلامت روانی، جلوگیری از بیماری‌های روانی و درمان بیماری‌ها روانی در کشور هستند. اما با این حال دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند تضمین کنند خدمات رسانی موثر باشند. سایر افراد ذی نفع و سهم‌مانند تامین‌کنندگان بخش خصوصی، سازمان‌های جامعه‌ی مدنی، گروه‌های مصرف‌کننده، موسسات آکادمیک و دانشگاهی نیز نقشی حیاتی در خدمات رسانی و سیاست‌گذاری‌های راهبردی دارند. خدمات و افراد حرفه‌ای سهم در برنامه‌ریزی و ارائه‌ی خدمات درمانی چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی یا غیردولتی باید در تمامی زمان‌ها مسئول اقداماتشان باشند.

داشتن رویکرد کل نگر به سلامت روان:

- داشتن رویکرد کل نگر به سلامت روانی مانند شناسایی روابط میان ذهن، بدن و روح، در مواجه شدن با مشکلات سلامت روانی بسیار موثرتر است.
- آداب و رسوم فرهنگی، سنت‌های هندی و تاثیر آن‌ها بر الگوهای رفتاری باید شناسایی شود و برای رسیدن به اهداف و مقاصد سیاست‌گذاری تقویت شود.

اهداف:

بر اساس چشم‌انداز و توجه به ارزش‌ها و اصول مطرح شده، اهداف و مقاصد سیاست سلامت درمانی عبارتند از:

کاهش ناهنجاری، ناتوانی و آمار مرگ و میر در رابطه با مشکلات سلامت روان در سراسر زندگی فرد، افزایش درک نسبت به سلامت روانی در کشور، تقویت رهبری در بخش سلامت روانی در سطح ملی، استانی و منطقه‌ای، افزایش دسترسی و استفاده از خدمات جامع سلامت روانی (شامل خدمات پیش‌گیری، درمان و مراقبت و خدمات حمایتی) برای اشخاصی که دارای مشکلات روانی هستند، افزایش دسترسی به خدمات سلامت روانی برای اقشار آسیب پذیر شامل افراد بی‌خانمان، افرادی ساکن در نواحی دور افتاده، کاهش چیرگی و بروز عامل‌های پرخطر در رابطه با مشکلات سلامت روان، کاهش خطر و تعداد خودکشی و اقدام به خودکشی، تضمین احترام به حقوق و حفاظت از آسیب به افراد مبتلا به مشکلات سلامت روانی، کاهش بدنامی در مورد افراد مبتلا، افزایش دسترسی و برابری در توزیع نیروی انسانی ماهر در سلامت روانی، افزایش تخصیص مالی متداوم و بهبود استفاده از این منابع بر ترویج سلامت و مراقبت، شناسایی و مورد توجه قرار دادن عوامل تعیین کننده زیستی، اجتماعی و روانشناسی که باعث بروز مشکلات روانی می‌شود و ارائه‌ی مداخلات موثر در این زمینه.

جلوگیری از بدنامی:

عمدتاً افرادی که دچار مشکلات روانی هستند با بدنامی و تبعیض در بسیاری از جهات مواجهند. بسیاری از خانواده‌ها تمایلی به پذیرش وجود بیماری روانی ندارند، حتی در صورتی که دریابند که بیماری وجود دارد در بسیاری از موارد خانواده‌ها تمایلی به مراجعه به متخصص ندارند. از سوی دیگر نبود خدمات مقرون به صرفه، موثر و در دسترس یکی از موانع اصلی در بیشتر بخش‌های جامعه محسوب می‌شود. از سوی دیگر عدم دانش و آگاهی کافی در مورد ماهیت و چیرگی مشکلات سلامت روانی و همچنین بیماری‌های روانی وجود دارد. کبود دانش اغلب همراه با ترس و دشمنی نسبت به کسانی است که با مشکلات روانی مواجه هستند و به واسطه‌ی آن افراد دچار محرومیت از جامعه و به حاشیه راندن مواجه هستند. دولت‌ها، نظریه‌پردازان، رسانه‌های اجتماعی و رهبران جامعه باید در افزایش آگاهی نسبت به ماهیت مشکلات سلامت روانی نقش بیشتری ایفا کنند.

رویکرد حق محور:

نقض حقوق افراد مبتلا به مشکلات روانی امر و واقعیتی شایع است. طراحی و اجرای سیاست‌ها، برنامه‌ها و خدمات برای کسانی که دارای مشکلات سلامت روان هستند باید بر اساس تامین حقوق این افراد باشد. احترام به حقوق افراد مبتلا به مشکلات روانی باعث کاهش رفتارهای تبعیض آمیز نسبت به آنان می‌شود. پیش‌بینی در سیاست‌گذاری‌ها باید در حیطه‌ی عمومی بیشتر حق این افراد را مورد بحث قرار دهد و سیستمی برای حفظ حقوق این اشخاص طراحی کند.

اقشار آسیب پذیر:

خدمات سلامت روانی و فعالیت‌های مرتبط با آن باید شرایط ویژه و نیازهای جمعیت آسیب‌پذیر را در نظر بگیرد. چرا که این اقشار بار مشکلات روانی را به دوش می‌کشند. این اقشار شامل کودکان، زنان، افراد محروم به لحاظ اجتماعی و اقتصادی، اشخاص پیر و اشخاصی با ناتوانی‌های جسمی - حرکتی. در ادامه شرایطی که باعث افزایش آسیب‌پذیری و نیازهای این افراد که باعث می‌شود تا بهبود سلامت روانی در موردشان مطرح شود، بیان خواهد شد:

فقر: فقر و بیماری‌های روانی چرخه معیوب و به هم مرتبط هستند. اشخاص از اقشار پایین درآمدی به نسبت بیشتری در معرض مشکلات سلامت روانی هستند. صرف هزینه در زمینه‌ی درمان و سلامت برای دست یافتن به خدمات سلامت روانی و از دست دادن بهره‌وری به دلیل معلولیت، منجر به فقر افراد می‌شود.

بی‌خانمانی: میان فقر و بیماری‌ها روانی نیز رابطه وجود دارد. بی‌خانمانی می‌تواند به عنوان نتیجه‌ی معکوس مشکلات روانی رخ دهد. از یک سو فرد به دلیل نداشتن منابع، یا خانواده و به دلیل عدم دسترسی به خدمات سلامت روان مناسب، دچار سرگردانی شود. همچنین اضطراب زندگی در خیابان‌ها، خطر ابتلا به بیماری‌های روانی را نیز افزایش می‌دهد و با نبود افرادی که از آن‌ها مراقبت کند، آسیب‌پذیرتر می‌شوند.

افرادی که تحت مراقبت موسسات مختلف قرار دارند در دسته‌بندی متفاوتی قرار می‌گیرند و با آسیب‌های متعدد روبه‌رو هستند. این افراد شامل زنان و کودکانی می‌شود که در مراکز نگهداری از زنان یا پرورشگاه‌ها به سر می‌برند و یا در زندان‌ها هستند. در حال حاضر خدمات سلامتی برای چنین افرادی ناکافی است. به طور

کلی ۷۰ تا ۸۰ درصد از افرادی که دچار ناهنجاری روحی و روانی هستند در خانواده‌های خود زندگی می‌کنند و در حال حاضر هیچ حمایت یا سازوکاری برای کمک به این افراد وجود ندارد. در نتیجه بسیاری از آن‌ها به واسطه‌ی نبود سیستم حمایتی مناسب برای نظارت بر درمان آن‌ها، بهداشت فردی و تغذیه در انزوا و افسردگی فوت می‌کنند. این سند سیاستی نیازهای این دسته از افراد که دارای ناهنجاری‌های روحی هستند را شناسایی می‌کند چرا که برای مدت‌های طولانی نادیده گرفته شده‌اند.

فرزندان اشخاصی که دچار مشکلات سلامت هستند: این گروه نیز آسیب‌پذیر محسوب می‌شود و به نیاز آن‌ها نیز چندان توجه نشده است. این افراد از ضعف مراقبت والدین از آن‌ها، عدم نقش والدگری و مدرسه رفتن و افزایش فقر رنج می‌برند.

مراقبان سالمند: این افراد نیز نیازمند سلامت روحی و جسمی هستند و از اقشار آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند. عدم توجه به نیاز افراد سالمند تأثیری منفی بر زندگی آن‌ها و همچنین زندگی کسانی که سالمندان از آن‌ها مراقبت می‌کنند، دارد. همچنین در این زمینه سیاست‌گذاری اندک یا اقدامات خدمات رسانی کمی برای پاسخگویی به نیاز چنین افرادی انجام شده است. همچنین از افراد مراقب آسیب‌دیگر عبارتند از بزرگسالان، افراد مجردی که مسئول نگهداری و مراقب شخص دیگر هستند و ..

افرادی که نقل مکان کرده‌اند: در حال حاضر تغییرات جمعیتی فراوان و نقل مکان از مناطق روستایی به شهری انجام شده است. این اشخاص و خانواده‌ها معمولاً به مشاغل کاذب روی می‌آورند و دسترسی اندکی به خدمات سلامتی محلی دارند و اطلاعات اندکی از وضعیت سلامتی این مهاجران وجود دارد.

افرادی که تحت تأثیر شرایط اضطرار و حاد هستند: بلایای طبیعی یا حوادث انسانی یکی از دلایل اصلی تنش‌های روانی برای فرد است. بسیاری از بلاهای محلی مانند سقوط ساختمان، تخلیه‌ی زاعه‌ها، سیل و تظاهرات و شورش‌های خیابانی) معمولاً از عوامل بروز ناهنجاری روحی در افراد هستند که باید عواقب آن بر افراد تحت تأثیر بلایا و رفاه اجتماعی آنان بیشتر توجه شود.

سایر گروه‌های به حاشیه رانده شده: به حاشیه رانده شدن یکی از عوامل تعیین کننده اصلی در مشکلات سلامتی افراد است. اشخاص به حاشیه رانده شده مانند تن فروشان، قربانیان قاچاق انسان و گروه‌های اقلیت همگی در معرض مشکلات روحی و سلامت روانی هستند.

حمایت از خانواده‌ها:

در حال حاضر حمایت از خانواده‌ها یکی از بخش‌های مهم در مراقبت از کسانی است که دچار بیماری روحی هستند. چنین خانواده‌هایی متحمل هزینه‌های سنگین درمان و همچنین هزینه‌های غیرمستقیم مانند از دست دادن حقوق به جهت ترک شغل به دلیل مراقبت از اعضای بیمار خانواده هستند. هزینه‌های اجتماعی و روحی برای تامین مراقبت از اعضای خانواده که دارای سلامت روحی هستند را نمی‌توان دقیق برآورد کرد اما باعث پرداخت هزینه‌های فراوان برای خانواده‌ها است. نقش مراقبت گر نیز بر روی سلامت جسمی و روحی مراقبت‌کننده اثر دارد. اکثر اوقات مراقبت‌کننده‌ی سالمند (معمولا والدین یا پدر بزرگ یا مادر بزرگ) که به مراقبت از شخصی که دچار بیماری روحی می‌پردازد، بدون دریافت خدمات اجتماعی و درمانی به مراقبت از افراد بیمار می‌پردازند. این خانواده‌ها نیاز به دسترسی به اطلاعات دارند و همچنین باید برای به دست یافتن به خدمات مورد نیاز راهنمایی و مشورت دریافت کنند و از نقش مراقبت‌کننده‌ی آن‌ها حمایت شود. خانواده و مراقبان که به نگهداری از افراد بیمار روانی می‌پردازند باید حمایت کافی را برای این نقش خود دریافت کنند. این امر در زمینه‌ی بیماری‌های بلند مدت و مزمن اهمیت بیشتری می‌یابد.

همکاری میان بخشی:

نیازهای بیماران روانی به تنهایی توسط بخش سلامت قابل تامین نیست و نیاز به همکاری میان بخشی دارد. همچنین در درون بخش سلامت نیز همکاری باید وجود داشته باشد. به عنوان مثال میان متخصصان سلامت روانی و خدمات سلامت کلی و همچنین خارج از بخش سلامت با آموزش، استخدام، مسکن و بخش‌های مراقبتی باید زمینه‌ی همکاری فراهم شود. مشابه همین موضوع همکاری میان بخش دولتی (عمومی) و بخش‌های غیر دولتی (بخش‌های غیر انتفاعی) نیز باید برقرار شود.

مراقبت بالینی (نهادی) بیمارستان‌های روانی از دیر باز منبع اصلی درمان اشخاص مبتلا به بیماری‌های روانی بوده‌اند. در طی دهه‌ی گذشته دولت اصلاحاتی را انجام داده است. حتی با وجود این اصلاحات دسترسی به آن‌ها محدود است، کارمندان آن‌ها ناکافی و بودجه‌یشان کم است. این امر باعث کاهش کیفیت خدمات می‌شود. در حال حاضر موسسات مشابه در بخش خصوصی وجود دارند. تمامی تسهیلات و امکان درمان بیماران باید تبدیل به بخشی از مراقبت افراد شود که از این مراکز مرخص شده‌اند. این سند سیاستی به دنبال شناختن طیف مختلفی از نیازها در جامعه است. همچنین نیاز به تدوین و توسعه‌ی مدل‌های مراقبتی چندگانه احساس می‌شود که در هماهنگی با یکدیگر عمل کنند.

به طور کلی این سند سیاستی سازوکارهایی را برای تامین مالی، ترویج سلامت روان و تاکید ویژه بر تحقیق و افزایش ظرفیت‌های تحقیقی داشته است. برنامه‌ی عملیاتی سلامت روان بر اساس ایجاد مسئولیت برای تمامی بخش‌های تدوین شده است که به صورت مشخص نقش هر بخش را تعیین کرده است. اکنون دو سال از اجرای این برنامه‌ی بلند پروازانه می‌گذرد اما همچنین مراقبت‌ها و خدمات سلامت روانی همچنان ناکافی به نظر می‌رسد. سیاست سلامت روانی به دنبال رفع فقر و تبعیض‌های اجتماعی است اما اجرای آن نیازمند توسعه‌ی کلی‌تر کشور هندوستان است که در حال حاضر در این کشور وجود ندارد. بر طبق تحقیقات انجام شده از اجرای این سند سیاستی طی گزارشی حقایق زیر مطرح شده است:

(۱) سیاست ملی سلامت روان با اینکه منتشر شده است اما قانون مراقبت ملی سلامت روان همچنان به تصویب نرسیده است. همچنین تناقض‌هایی میان این سند سیاستی و قانون مذکور وجود دارد (که شامل تعریف بیماری روانی، تعریف افراد حرفه‌ای در سلامت روان و... می‌شود) که باید مورد توجه قرار گیرد.

(۲) همچنین این سند سیاستی با حقوق بنیادین ذکر شده در قانون اساسی مغایرت و تناقض‌هایی دارد به خصوص در زمینه‌ی حق آزادی و حق درمان.

(۳) از زمان تصویب قانون افراد دارای معلولیت، باید این سند سیاستی مطابق با قانون مذکور تطبیق یابد.

۴) در حال حاضر دو سال از تصویب این قانون در سال ۲۰۱۴ می‌گذارد و زمان آن رسیده است تا مجدداً مورد بازبینی قرار گیرد.

زمان آن فرا رسیده است تا سازوکارهای کلیدی در این قانون به اجرا درآید و در ابتدای امر باید نبود ظرفیت‌های فنی در بیشتر استان‌ها و مناطق را برای اجرای آن مد نظر قرار دهد. علاوه بر این، این سند سیاستی باید ۴۰ بیمارستان روانی در کشور را تبدیل به موسساتی کند که در راستای ارائه خدمات مراقبتی به جامعه عمل کنند. هندوستان اقدامات برجسته‌ای را در زمینه‌ی روانپزشکی در جامعه انجام داده است اما همچنان تمامی برنامه‌ها تحت فشار دیوانسالاری اداری در بخش سلامت هستند. همچنین فاصله‌ی زیادی میان هر برنامه یا سیاست ملی و اجرای آن در کشور وجود دارد. برنامه‌ریزان در انزوا برنامه‌هایی را به نفع عامه‌ی مردم تدوین می‌کنند که در بسیاری مواقع از عدم تطبیق با واقعیت رنج می‌برند. برای این موضوع می‌توان به برنامه‌ی جنگل سازی اشاره کرد که در مرحله‌ی اول بودجه‌ای برای کاشت درختان صرف شد اما هیچ ساز و کاری برای پرداخت به نیروی انسانی‌ای که از این درختان نگهداری کنند و از آن‌ها در برابر چرای گله‌ها محافظت کند در نظر گرفته نشد و در نهایت منجر به شکست کامل این طرح شد. اما با این حال این سند سیاستی داده‌هایی را از متخصصان روانپزشکی گرفته است که امید می‌رود در آینده خدمات بهتر و بودجه‌ی مناسب‌تری را برای ترویج سلامت روان ارائه کند.

منابع:

Singh, O. P. (2017). National Mental Health Policy of India-New Pathways New Hope—A Journey on Enchanted Path. *Eastern Journal of Psychiatry*, 18(2).

National Mental Health Policy of India-New Pathways New Hope, Ministry of Health & Family Welfare, Government of India, October 2014

نیرا منتخبی بخت ور

کلان داده و تجزیه و تحلیل خدمات درمانی

رو به پیری رفتن جمعیت و تغییر در سبک زندگی باعث تحمیل فشار به سیستم‌های خدمات درمانی در سراسر جهان شده است. این روندها همراه با دیجیتالی شدن سلامت و داده‌ی بیماران به واسطه‌ی پیشرفت‌ها در فناوری‌های ارتباطی مانند حسگرهای پزشکی بوده است که منجر به تولید حجم وسیعی از داده‌های اولیه و ثانویه در حوزه‌ی خدمات درمانی بوده است. همچنین، تقاضا برای کلان داده به واسطه‌ی تغییر در پزشکی مبتنی بر شواهد رخ داده است، همانطور که مخالف با تصمیمات شخصی کلینیکی بوده است.

همانطور که گنجینه‌ی داده فرصت‌های فراوانی را در زمینه‌ی خدمات رسانی، مدیریت و سیاست‌گذاری در خدمات درمانی و بهداشت ایجاد می‌کند، سیستم‌های جدید اطلاعاتی و رویکردهایی مورد نیاز است تا بتوان از این کلان داده‌ها استفاده‌ی موثری کرد. در واقع کلان داده به داده‌های اطلاق می‌شود که بسیار حجیم‌تر و بزرگ‌تر از آن هستند که بتوان با استفاده از ابزارهای محاسباتی سنتی آن‌ها را تحلیل و مدیریت کرد.

پیچیدگی در تحلیل کلان داده ناشی از سه بعد آن است که عبارتند از تنوع، حجم و سرعت. تنوع دلالت بر این دارد که کلان داده هم ساختاری و هم غیر ساختاری (به عنوان مثال نوشته‌های پزشکان) است. داده‌های خدمات درمانی و بهداشت به شکل‌ها و مدل‌های مختلفی و از منابع گوناگونی به دست می‌آیند که این منابع عبارتند از: (۱) اطلاعات کلینیکی و بالینی در سامانه‌های الکترونیکی سلامت، تصاویر پزشکی، داده‌های تولید شده توسط ماشین‌ها و اطلاعات مربوط به ژنوم انسان ۲. اطلاعات داروسازی و داده‌های تحقیق توسعه مانند اطلاعات بر آمده از آزمایشات بالینی و مقالات پزشکی. ۳. فعالیت‌ها و داده‌های مربوط به هزینه که توسط تامین‌کنندگان خدمات درمانی و بهداشت و شرکت‌های بیمه ارائه می‌شود. ۴. اطلاعات و داده‌های رفتار بیماران از ابزارهای هوشمند و جیبی مانند تلفن همراه یا تبلت و... و همچنین مطالب منتشر شده در رسانه‌های اجتماعی مانند تویتر، وبلاگ‌ها و فیس‌بوک، انجمن‌های خدمات درمانی و صفحات اینترنتی.

سرعت به این باز می‌گردد که کلان داده به صورت آنی و لحظه‌ای مخابره می‌شود مانند علائم حیاتی که اغلب به صورت ناگهانی منتشر می‌شود و نه با سرعت مداوم. حجم دلالت بر این دارد که کلان داده همان طور که از عنوان آن بر می‌آید به شدت حجم بزرگی دارد. تجزیه و تحلیل در خدمات درمانی و بهداشت به معنای استفاده‌ی سیستماتیک از داده‌های سلامت و کسب و کارهای مرتبط با آن است که از طریق تحلیل مانند آمارگیری، مفهومی، کیفی، پیش‌بینی، شناختی و سایر مدل‌ها توسعه می‌یابد و تبدیل به تصمیم‌گیری مبتنی بر حقیقت می‌شود. تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها این توانایی را دارد که فراتر از بهبود سودها و کاهش مضررات عمل کند و این توانایی را دارد که بیماری‌های واگیردار، بیماری‌های مزمن را درمان کند و باعث بهبود کیفیت زندگی و کاهش جلوگیری از مرگ و میر شود. در میان این کاربردها، تجزیه و تحلیل پیش‌بینی کننده انقلاب آتی هم در آمارگیری و هم در پزشکی در سراسر جهان خواهد بود. تجزیه و تحلیل پیش‌بینی کننده دربردارنده‌ی استفاده از روش‌های تجربی (آمار و غیره) تا تولید داده‌های پیش‌بینی کننده و همچنین روش‌هایی برای ارزیابی قدرت پیش‌بینی است. این امر از تکنیک‌های آماری متنوعی استفاده می‌کند مانند مدل‌سازی، یادگیری ماشینی و داده کاوی که به تحلیل داده‌های جاری و تاریخی می‌پردازد تا بتواند در مورد آینده پیش‌بینی کند. برای مثال، تجزیه و تحلیل پیش‌بینی کننده برای شناسایی بیماران با ریسک بالا و درمانشان تا کاهش بستری غیر ضروری یا مجدد به کار می‌رود.

همانطور که بالاتر گفته شد، تجزیه و تحلیل کلان داده در خدمات درمانی و بهداشت بیانگر ظرفیت‌های فراوانی در تغییر خدمات درمانی و بهداشت است و در عین حال همچنان با چالش‌هایی نیز روبه‌رو خواهد بود. این چالش‌ها نه تنها شامل موانع فناوری است بلکه دربردارنده‌ی موانع سازمانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاست‌گذاری است که همراه با کاربرد تحلیل کلان داده در خدمات درمانی و بهداشت وجود دارد.

در جبهه‌ی فناوری، چالش‌ها شامل یکپارچگی و/یا تجزیه و تحلیل اشکال مختلف داده‌های خدمات درمانی و بهداشت تا حل مشکلات قریب‌الوقوع است. در زمینه‌ی موانع سازمانی، مطالعات پیشین گزارش کرده‌اند که چگونه سازمان‌ها و متخصصان خدمات درمانی و بهداشت در برابر فناوری‌هایی که باعث تسهیل جمع‌آوری داده برای تحلیل می‌شود ولی کار آنان را تغییر می‌دهد، مقاومت نشان دهند. علاوه بر این، مسائل اجتماعی مانند

مسائل حریم خصوصی، حول کاربرد فناوری‌های جدید از قبیل ابزارهای جیبی وجود دارد که برای تحلیل داده‌های شخصی به کار می‌رود. از سوی دیگر اقتصاددانان نگران این هستند که چگونه این فناوری‌ها و تحلیل‌های برآمده از آن بر هزینه‌های خدمات درمانی و بهداشت برای افراد ذی نفع مختلف اثر می‌گذارد. در نهایت فناوری‌های جدید باعث می‌شوند تا جمع‌آوری داده در خدمات درمانی و تحلیل آن، کاربردهایی در سیاست‌گذاری پیدا کند از قبیل تغییر حریم خصوصی و قانون حفاظت از داده. این چالش‌های در هم پیچیده در زمینه استفاده از فناوری برای تحلیل کلان‌داده‌های خدمات درمانی و بهداشت زمینه‌ی حاصلخیزی را برای محققان فنی، رفتاری/سازمانی و جریان‌های اقتصادی فراهم کرده است. بنابراین، در مرکز اطلاع رسانی سلامت در دانشگاه ملی سنگاپور که مجری آن کنفرانس بین‌المللی کلان داده و تحلیل در خدمات درمان است در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۴ انجمنی را برای محققان، فعالان و سیاست‌گذاران ایجاد کرده است تا بتوانند تحقیقات و اقداماتی را بر این پدیده‌ی مهم انجام دهند.

منبع:

Kankanhalli, A., Hahn, J., Tan, S., & Gao, G. (2016). Big Data and Analytics in Healthcare: Introduction to the Special Section. *Information Systems Frontiers*, 18(2), 233-235.

نیرا منتخبی بخت ور

طرح دولت انگلستان در کاهش نرخ مصرف سیگار تا ۱۲ درصد

دولت اعلام کرده است که تا سال ۲۰۲۲ نرخ مصرف سیگار در میان جوانان در انگلستان را از ۱۵/۵ درصد به ۱۲ درصد می‌رساند. برنامه‌ی کنترل تنباکو که تابستان گذشته منتشر شد به دنبال کاهش مصرف سیگار در جوانان ۱۵ سال است که بین ۸ تا ۳ درصد یا کمتر سیگار مصرف می‌کنند و همچنین به دنبال کاهش مصرف سیگار در زنان باردار از ۱۰,۵ به ۶ درصد در طی همین بازه‌ی زمانی است.

علاوه بر این، این برنامه به دنبال کاهش نابرابری است که در آن نرخ سیگار بالاترین و آسیب‌زاترین مورد به سلامت افراد شناخته شده است. پزشکان و متخصصان سلامت معتقدند که باید در کنار ارائه‌ی این برنامه باید به فاصله‌ی میان فقرا و ثروتمندان نیز توجه شود. امید به زندگی میان این دو قشر به دلیل مصرف سیگار ۹ سال اختلاف دارند. هدف از این برنامه ایجاد نسل‌هایی بدون مصرف سیگار است. برای رسیدن به این هدف دولت دسترسی به آموزش را برای تمامی افراد متخصص فراهم می‌کند تا به افراد آموزش دهند چگونه سیگار را ترک کنند؛ به خصوص کسانی که به خدمات درمان سلامت روان مراجعه می‌کنند. همچنین تا سال ۲۰۲۰ به دنبال این است که خدمات ملی سلامت بدون سیگار را ایجاد کند و مصرف کنندگان سیگار را به مراجعه و فعالیت در این خدمات سلامت دعوت کند. همچنین این برنامه‌ی دولت به دنبال ارائه‌ی راهکارهای محلی در نقاطی است که آمار مصرف سیگار بالا است و سعی دارد تعرفه و مالیات بالا بر محصولات تنباکو را حفظ کند.

علاوه بر این، برنامه‌ی کاهش مصرف سیگار سعی دارد، اطلاعات بیشتری به صورت عمومی در مورد امنیت سیگارهای الکترونیک و تاثیر آن‌ها در ترک سیگار منتشر کند. پزشکان و متخصصان خدمات درمانی از موضوع انتشار این مطالب استقبال کرده‌اند، اما معتقدند که باید سرمایه‌گذاری بیشتری برای کاهش نرخ مصرف سیگار صورت گیرد. رییس انجمن پزشکی بریتانیا پروین کومار در این باره می‌گوید: اگر ما بنخواهیم جلوی ۷۹۰۰۰ مرگ سالانه‌ی ناشی از سیگار را بگیریم، در این صورت برای ترک سیگار و معیارهای کنترل تنباکو باید به صورت کافی تامین بودجه شوند. در حالی که مقامات محلی بودجه ترک سیگار را کاهش داده، خدمات را در هم ادغام و آن‌ها را تبدیل به مراکز کوچک یا کاهش خدمات انجام می‌دهند.

این کاهش دادن‌ها در خدمات موثر اما هزینه‌بر، فقط باعث افزایش نابرابری در سلامت می‌شود و در آینده تقاضای بیشتری برای جراحی‌ها و بستری شدن در بیمارستان‌ها به همراه خواهد داشت. بنیاد ریه‌ی بریتانیا معتقد است که اهداف تعیین شده برای کاهش مصرف سیگار بسیار بلندپروازانه هستند اما باید نسبت به کاهش بودجه‌ی خدمات ترک سیگاری محلی دقت بیشتری صورت گیرد. آموزش کارکنان نیز در این زمینه ضروری است اما صرف نظر از اینکه چقدر این آموزش‌ها خوب است اگر ماماها نتوانند به زنان در مورد خدمات ترک سیگار راهنمایی ارائه کنند، نمی‌تواند به صورت کامل موثر واقع شود. در حال حاضر شاهد کاهش بودجه‌ی عمومی در عرصه‌ی سلامت هستیم که باعث اثر گذاشتن بر خدمات ترک سیگار شده است. این امر باید تغییر کند و سرمایه‌گذاری در خدمات ترک سیگار باید بیشتر شود. غلبه‌ی مصرف سیگار از ۲۰ درصد در میان بزرگسالان در سال ۲۰۱۱ به ۱۵ درصد رسیده است که این کمترین رقم از زمان ثبت ارقام بوده است. اما این امر برای اقتصاد بیش از ۱۱ بلیون یورو به صورت سالانه هزینه دارد. سایمون کلارک رییس گروه مصرف کنندگان سیگار فارست نیز می‌گوید دولت باید دست از سخنرانی و نصیحت مصرف کنندگان سیگار بردارد و برنامه‌ی تدوین شده باید آموزش و حق انتخاب را به جای ممنوعیت و صرف زور به کار ببرد.

منبع:

<https://www.theguardian.com/society/2017/jul/18/smoking-rates-government-tobacco-control-plan>

نیرا منتخبی بخت ور